

این هیئتک بیا بیاه وکل بیهلک بیهی اللهم انی اسئلك بیهلک کله بیا ، به معنای زینبی است و زینبی عبارت است از زوجی که هر چه غیر زینبی است و حسن و سناست همه از او نماند و چون او باهمن آن است که آنکه الله گفته است که چون زینبی است و غیر زینبی است از دیدگاه است پس چون همه این زینبی و معال و نور و روشنی است و هر قدر نور بیشتر باشد یعنی بیشتر نامش خواهد بود. (از شرح مدارح سحر حضرت روح الله ر.ه)

گشتهای سازمان تعزیرات حکومتی
در مساجد ایجاد می شود

در خیرها آمده است که سازمان تعزیرات حکومتی برای رسیدگی سریع به جرائم متعلقان اقتصادی، در مساجد تهران گشت های ثابت ایجاد می کند.

در حاشیه ای خبر باید چند نکته را به مسئولان طرح تعزیرات حکومتی یادآور شویم: با نگاهی سریع به تاریخ انقلاب اسلامی درسی بیایم که مساجد همواره کانون نیروهای انقلابی و مرکز ارتباط مردم با رهبری انقلاب بوده اند. محور فعالیت فرهنگی و نظامی نیروهای بسیجی که یادآور قرآن بسیج بیست میبوی امام خمینی (ره) است، در مساجد ادامه دارد. در شرایط امروز نیز مساجد نقش تعیین کننده ای می توانند در پیشبرد اهداف انقلاب و مسجین مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب داشته باشند. لذا وظیفه بنی و ملی ما حکم می کند که در مساجد شرایط فراهم آوریم تا نوجوانان جوانان محله ها رفیق بیشتری

اندام بموقع ناطق نوری...

اول مردی از وضعیت نابسامان بودجه امور فرهنگی پیشنهاد شده برای سال ۱۳۷۶ نوشتیم و تکرانی خود را از میزان اندک بودجه و ضعیفی مهابت فراوان به مقالات فرهنگی ابرازداشتیم. در آخرین لحظات تصویب، البته رئیس مجلس اقامی به موقع کردند و بخش از اعتبار ۵۰۳۳۰۱ که از دست رفته می نمود به مسئله مبارزه با تهاجم فرهنگی تخصیص دادند که به تصویب نمایندگان نیز رسید.

بنا لایم امی
پهمن بچاه و هفت
گرامی بنا

از همان زنجیرهای گسسته بازوانی ستر رو دیده اند از همان زنجیر های گسسته گردانی زوین
مرد راست گرده اند
آنان که در افق آرزوهایشان
به سمت جت ابدی
شوغ بر کشنده اند
چرا که زنجیرهایشان
انجام یافته است
مردان زوین
مردان بی بوک

مراکز پژوهش در آثار حافظ و سعدی، ساخته می شوند

برای نخستین بار در جهان، مراکز علمی و حافظ شناسی با هدف تحقیق در زندگی و آثار این بزرگوار، پیشروان خود در این عرصه است. این مراکز، قصد دارند با ارائه خدمات کتابخانه ای، بانک اطلاعاتی کامپیوتری، جمع آوری کلیه آثار خطی و قلمی این دو شاعر از سراسر جهان، تولید نوار و



نگاره چلیا زورنگ (۱۳۰۰-۱۳۰۵)

دومین هم‌اندیشی دین از چشم سینما

در سالگرد شهادت هنرمند فرزانه سیدمرغی آوینی روز هنر اسلامی با حضور روحانیت کاشه و روشناس و سینماگران مستند، دومین هم‌اندیشی بین از چشم سینما بر گزار می گردد. فروردین ۷۶ - تهران تالار آفتاب

قابل توجه علاقمندان

فروشگاه و نمایشگاه آزاد ده حوزة هنری به مناسبت آغاز دهه مبارک فجر سه مدراس، دانشگاهها، مساجد، ادارات، نهادها و سازمانها پوستراهی هنری با موضوع انقلاب اسلامی، نماز، دفاع مقدس، همراه با عکسهای از امام و اهل امام خاندان ای را با تخفیف عرضه می کنند. آدرس: تهران - خیابان سمیه غربی، جنب خانه عکاسان

از عمان زنجیرهای گسسته

بنا لایم امی
پهمن بچاه و هفت
گرامی بنا

از سوی شرکت مطبوعاتی

- ۱- فصلنامه هنرهای تجسمی
- ۲- فصلنامه نمایش
- ۳- فصلنامه موسیقی

واحد موسیقی حوزه هنری

کامت موسیقی نماز با صدای سیدعبدالحسین مختاباد را تهیه و آماده عرضه نموده است.

حذف رشته موسیقی از دانشگاه آزاد

رشته موسیقی از دانشگاه آزاد حذف شده است. دکتر ریاحی، رئیس گروه موسیقی این دانشگاه ضمن اعلام این خبر گفت: گروه موسیقی دانشگاه آزاد که با همکاری استادی برجسته ای راه اندازی شده بود برای چندین دوره دانشجوی پذیرفته شد. ولی ماه پیش به ما اطلاع دادند که این رشته حذف خواهد شد و ارسال آییننامه دانشجویی در آن پذیرفته نمی شود.



جوانهای اهل موسیقی، رضا مهدوی، حسناکار سالیان اخیر استاد پیشین در موسسه و هنرمند موسیقی ساز موسیقی «مؤسسه آموزش عالی سوره» روشن و فرزان تکیه می داشتند. از میان ما رفتند و حرمت دیدارشان تا ابد بر دلهای ما باقی ماند. در تکیه پیشین، احبارگرم بنا بلند فرغی و رموی و این سید، و استاد امیر یاریان، حلاق نینگ و معلم خداکار



اهل شعبده و راز ماهواره

کت و کو با یوسئلی میرسکت - کت و کو با یوسئلی میرسکت - کت و کو با یوسئلی میرسکت



عشق آباد را عشق است

آقای ج. س فکر می کند همه کسانی که در حال حاضر اجازه کار دارند، قلمی می سازند و نمایش کارگردانی می کنند و می نویسند مزدوران باجبره و مواجیب یا بی تجربه و مواجیب بک جاهای خطرناکی هستند.



عکسهای قدیمی، رایحهٔ ابدیت

نگاهی به آلبوم عکس کنستانتین شاپرو



ما نگران شترهایمان هستیم

برای رئیس جمهور آینده



سرقت هنری و ناامنی های فرهنگی

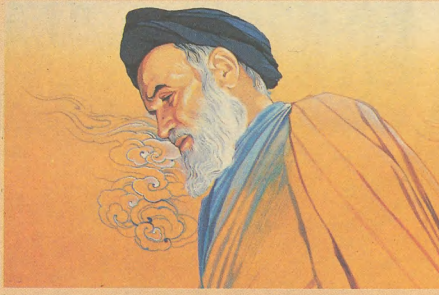
کشور ما ضعیف و اجنبی کپی رایت جهانی، نیست: به این معنی که اگر آثار فرهنگی و ...

هفته نامه فرهنگی، هنری، اجتماعی

سوره

پیش شماره دوم، سه شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۷۵، قیمت: ۲۰ تومان

ایام چخسته دهه فجر انقلاب اسلامی مبارک باد



مردی که بند زجر گشود آمد



تئوری حلقه دهم

در باره سرباز های نولونونی

شرکت مطبوعاتی سوره، منتشر کرده است



شهادت شیرمردان خدا، اولین مسلمان حامی مستضعفان حضرت امیر مؤمنان تسلیت باد

شرکت دخانیات ایران

این شماره: آنها از جهاد و شهادت سخن می کنند / سورهاله / آئینه رو به فراموشی است / احمد عربی / برای رئیس جمهور آینده / نظر خواهی از اهل فرهنگ و هنر در خصوص برنامه های فرهنگی رئیس جمهور آینده / اهل شعبده و راز ماهواره / کت و کو با یوسئلی میرسکت / نسل جدید ماهواره ها / فوتبال و روح عرفان! / شهیدهای فرهنگی را جدی بگیریم / معشقی خراسانی / نمایشگاه بازار کانی در تکیه دولتا / رسانه ها در گردونه خطر / ترجمه محمد عوادزاده / فیلم ساختن، فیلم دیدن، نقد نوشتن، جاذبه دادن و... از این قبیل سرگرمی های دریارهٔ چشمتوراه بنزدیم / آیا سیمای دینی همان سیمای اسلامی است؟ / کت و کو با اهل سینما دریارهٔ سیمای دینی / نگاهم بند / اشاراتی دریاره سیمای دینی / ابراهیم طالعوسی / سیمای روز تپان: دریارهٔ شجاعت زور آتش، ساخته ادوارد زوبینه، جلت ساخته فرانسس فورد کوپولا / خوشبختانه ما مردم کنجکای نسیم / سیدرضا نفیسی / کتب جدید شما کارگردان بنامید / دری به خانه خورشید / امیر رازی / در راه / جهانگیر خسرو شاهی / ناسی / بک صفه از مارتک توتان / ترجمه آشین خاکباز / راه نجاتی برای متر معاصر / شاها صالحی / به یاد نور علی خان / برهنه / محمد رضا لطفی / موسیقی غمناک خراسان / اصغر آزادی / فصلی از نمایشنامه / عشق آباد / داود میرزاقری / نجیب خاطرانی که از آن ما نیست / شکورا ذاکر / یعنی دریاره نمایش درامی / عکسهای قدیمی، رایحه ابدیت / ترجمه عبدالمجید اسکندری / عکسهای بوی بک تجربه نو / کت و کو با شاهرخ ذاکر

هنرمند گرامی جناب آقای داود نژاد

درگذشت سدر بزرگوارتان را تسلیت گفته و برای شما و خانواده صبر و اجر مستند داریم. معذرت سبیلی حوزه

هنرمند گرامی جناب آقای داود نژاد

درگذشت سدر بزرگوارتان را تسلیت گفته و برای شما و خانواده صبر و اجر مستند داریم. معذرت سبیلی حوزه

هنرمند گرامی جناب آقای داود نژاد

درگذشت سدر بزرگوارتان را تسلیت گفته و برای شما و خانواده صبر و اجر مستند داریم. معذرت سبیلی حوزه

هنرمند گرامی جناب آقای داود نژاد

درگذشت سدر بزرگوارتان را تسلیت گفته و برای شما و خانواده صبر و اجر مستند داریم. معذرت سبیلی حوزه

آنها از جهاد و شهادت سخن گفتند...

آنچه در بهمن پنجاه و هفت روزی، حادثه عظیمی بود که جز اهل ایمان را به حیرت واداشت. در مملکتی که ایالت پنجاه و سوم آمریکا خوانده می شد و در آن تنها خبر از جشن هنر شیراز بود و رقاصه ها و خواننده ها، و در روزگاری که سبیل کلفت های کانون پرورش فکری تنها مبارزین سیاسی قلمداد می شدند، مردم به



کلیف کلبه ۸ بهمن ۱۳۷۵ (۱۳۷۵)

• آنچه در ایران سال پنجاه و هفت رخ داد در هر جای دیگری از کره ارض نیز می تواند اتفاق بیفتد و اقتدار جهان غرب را متزلزل کند. در میان مرزهای تحت کنترل سپهر اطلاعاتی غرب وقایعی روی می دهد که بیرون از آنتسفر رسانه های گروهی قرار دارد.

• تقدیر تاریخی ما آن بود که در روزگار غریزدیگرنی، کلام دلنشین امام خمینی (ره) زنگار از دلایمان بزداید و ما را به تجدید عهد دینی بخواند. نفس مسیحایی امام خفگانی چون ما را به بیداری فراخواند و دیر نخواهد بود آنگاه که مسیحایی موعود سر رسد و جهان و جهانیان را که مرده اند زنده کند، و بجایی الارض بعد عوهد.



خیابانها ریختند و از حکومتی سخن گفتند که هیچ نمونه ای از آن مگر در صدر اسلام وجود نداشت. در روزگار سیطره سپهر اطلاعاتی غرب، جوانان ایران نام «خبتی» را فریاد کردند و در برابر ارتش مجهز به سلاحهای آمریکایی و اسرائیلی، از جهاد و شهادت سخن گفتند که در فرهنگ سیاسی هیچ کجای جهان معنا نشده بود: «وای اگر

عینی حکم جهاد دهد/ ارتش دنیا تواند که جوابم دهد». انقلاب اسلامی در داخل مرزهای تبلیغاتی جهان غرب، در گوشه ای از همین زمینی که بر فرازش سپهر اطلاعاتی سردمداران دهکنده جهانی قرار دارد به وقوع پیوست و همه دشمنی غربی ها با انقلاب و نگرانی شان از آینده ای نچندان دور در مهینجاست که هرگز نمی توان به جریانهای یکسویه اطلاعات و استیلای مقتدرانه حاکمین دهکنده جهانی اعتماد کرد. آنچه در ایران سال پنجاه و هفت رخ داد در هر جای دیگری از کره ارض نیز می تواند اتفاق بیفتد و اقتدار جهان غرب را متزلزل کند. در میان مرزهای تحت کنترل سپهر اطلاعاتی غرب وقایعی روی می دهد که بیرون از آنتسفر رسانه های گروهی قرار دارد. در اخباری که از طریق همین رسانه ها به جهان مخایره می شود، تصاویری از جوانان مسلمان حوزه بالکان به چشم می خورد که حکایت از همین

وقایعی نظیر انقلاب اسلامی، که در تحلیل اهل سیاست «بتیادگری» نامیده می شود، در هر نقطه دیگری از جهان نیز می تواند روی دهد. حاکمیت ماهواره ها روز به روز بیشتر خواهد شد و آن پیوستگی جهانی که در تمدن جدید انتظار می رفته است تحقق خواهد یافت. اما حاکمیت ماهواره ها الزاماً حاکمیت غرب را در پی نخواهد داشت. امروز شاید چنین به نظر بیاید که ماهواره، خود در سیطره مایکل جکسون و مادونا و تهیه کنندگان هالیوود است. اما واقعیت امر آن است که ماهواره در سیطره هر کس که باشد تنها اسیران حصارهای توهم را به وحشت خواهد انداخت. غربی ها نیز خود اسیر حصارهای توهم اند و چنین می پندارند که حاکمیت ماهواره به معنای حاکمیت آنهاست.

خداوند کریم برای ما چنان مقدر فرموده بود که در روزگار غریزدیگی، کلام دلنشین امام خمینی (ره) زنگار از دلایمان بزداید و ما را به تجدید عهد دینی بخواند. نفس مسیحایی امام، خفگانی چون ما را به بیداری فراخواند و دیر نخواهد بود آنگاه که مسیحایی موعود سر رسد و جهان و جهانیان را که مرده اند زنده کند. و بجایی الارض بعد مونها.

تهران سیمین فر
Tehran Simin far

ماشین آلات پیشرفته توام با تخصص و تجربه ما پشتوانه ای مطمئن جهت تامین نیاز شما در زمینه انواع سیم و کابل می باشد.

دفتر تهران: سپهروردی شمالی / پلازدا از چهارراه عباس آباد / شماره ۳۶ / تلفن ۸۷۴۳۶۳۱-۸۷۴۳۶۳۱ / فاکس ۸۷۴۳۶۳۷ صندوق پستی ۹۹۱-۱۳۲۱۵



مردم احساساتی!

همواره به این فکر کرده ام سرپالی است که بتواند مردم را جذب کند و باور کند سرپال در پناه تو یک همچون چیزی است، حالا این که این مردم چرا آنها آدم الزاماً باید یک داستان عشق و عاشقی نشان بدهند و همه باید آه بکشند و پدر عروس با مادام مخالفت کند و همه اش باید مشکلاتی پیش آمده مردم علاف شوند، این دیگر مشکل خود مردم است. مردم نسیباید استغشدر مشکلاتی پیش آمدند، باید منطقاً ترای تلویزیون بنشینند تا ... مفهوم شد؟! ...



موفق که با نشانگران برقرار می کند، نظر داشتیم، هرچند که به هر حال، سومی کرم چیزی از خودم در اثر وجود داشته باشد و به همین دلیل، حالا ساختمان اثر و نوع خاص نگاه به مساله در چهارچوب ساختاری آن، مخصوص همین کلیپ است و متعلق به هیچ کلیپ دیگری نیست. مشابه همین مساله برای تعداد دیگری از ویدئو کلیپ ها هم به شکلی دیگر وجود دارد. برخی از آنها سعی کرده اند با فرمول سینمای عرفانی شرقی و مثلاً الگوهای پاراجانف و این مساله نگاه کنند. صرف استفاده از الگوها، مشکلی ایجاد نمی کند. اگر مشکلی ایجاد شود، مطمئن باشید با نحوه استفاده از الگوهاست، یا در نحوه ارائه آن.

• ببینید مساله همین است. ما در حال ساختن نوحه سی ویدئو کلیپ هستیم که تکلیف مشخصی ندارد و سر درگم است. برای مثال، شما در نظر بگیرید در ویدئو کلیپهای غربی تا آنجا که من دیده ام، از نوع ساختار سینمایی که ما به کار می بریم، اصلاً وجود ندارد. موسیقی و شعر که همراه آن خوانده می شود، خیلی اوقات ارتباط مستقیم با تصاویر ویدئو کلیپ ندارند؛ بلکه ساختار موسیقی بیشتر در ساختار سینمایی با تصویر

□ من حرف شما را تا حدودی می پذیرم، ولی نکته آنجا است که ما در حال حاضر، واقفاً در ابتدای کار هستیم و به نظرم هنوز زمان مناسب برای نقد ویدئو کلیپهای ساخته شده

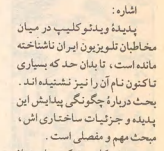
اجازه این تجربه تلویزیون ده نمی شود و مجال نمی دهند که با را از برخی کلیشه ها فراتر بگذاریم. هر کس ذهنیتی مخالف با نوع استفاده شما از یک شکل موسیقی خاص داشته باشد، سبیل امیرااستش را به سوی شما رفته می کند. در سایر مقولات فرهنگی و حتی تکنیکی نیز همین مشکل وجود دارد. اما به نظر من، باید اجازه دیدیم ویدئو کلیپ در این عمر کمتر از دو ساله خود، سیر منطقی اش را طی کند، تا شاید شکل جدیدی از آن متناسب با فرهنگ خودمان به دست آوریم. به نظر من، بهتر است دست فیلسازانمان را در این زمینه نبندهم و اجازه دهیم به تجربیاتی جدید و حتی چسورانه دست بزنند. فیلدهای بسیار ضعیفی در این عمر شصت و پنج ساله سینمای ایران، ساخته شد و میسرینها میلیون، پول هدر رفت و میلیونها میلیون، تملاشگر رانده شد و سینماگران گفتند، برمی گردد به همان چند عاملی که اشاره کردم؛ یعنی، علم درک و شناخت کافی ما از مشخصات خاص ویدئو کلیپ در غرب، نداشتن و قوف کافی به فرهنگ خودمان و علم توجه به تواناییهای فنی و تکنیکی سینمایی. توجه داشته باشید که ما در اینجا محدودیتهای زیادی داریم. اگر می بینید در آنجا سازه ویدئو کلیپ، ساختار موسیقی را رعایت نمی کند و یا به شعر انتهای ندارد و یا هر شکل چسورانه دیگری را به کار می برد، با فرهنگ و وضعیت دیگری روبه روست که به او اجازه این کار را می دهد. شما توجه کنید که در جامعه ما،

فراتر سیده است. مشکلاتی که شما اشاره می کنید، به نظرم در اغلب موارد مرسوم است. عموماً کاری با ریتم موسیقی ندارند و صرفاً سبیللهایی تصویر برای شعر می کشند و یا موسیقی خواننده می شود، پیدا می کنند و ساختار تصویر کلیپ را بر مبنای این سبیللهای ریزی می کنند.

من حرف شما را تا حدودی می پذیرم، ولی نکته آنجا است که ما در حال حاضر، واقفاً در ابتدای کار هستیم و به نظرم هنوز زمان مناسب برای نقد ویدئو کلیپهای ساخته شده

شرکت صنعتی پارس پارسینو
PARAK Bars
Parak Bars Industrial Co.

اقتضار ما
برگزاری کیفیت محصولات ما است.



اشاره: پدیدة ویڈیو کلیپ در میان مخاطبان تلویزیون ایران ناشاخته مانده است، تا یادان حد که بسیاری تاکنون نام آن را نیز نشنیده اند. بحث دربارهٔ چگونگی پیدایش این پدیده و جزئیات ساختاری آن، مبحث است.

ویڈیو کلیپ ترکیبی است از موسیقی و سینما، از عین آنکه نه «سینماست و نه موسیقی». از یک سو تکامل و شکست انگیزی فرم بصری را از مادیون سینماست و از سوی دیگر، وسایع سینماست که عین و منحصراً به فرد یا موسیقی دارد. تا آنجا که به نظر می رسد اهمیت موسیقی در شکل دهی به یک ویڈیو کلیپ، بیش از اهمیت تصویر است.

حدود دو سال است که فیلسازان و طیف مشغول کتب تجربه در حیطه ویڈیو کلیپ سازی شده اند. به دست آوردن تجربه در حیطه تولید آثار هنری، یقی نسخه بارز و قابل تقدیر است. اما به شرد آن که سیر این تجربیات به اعتدال موضوع مورد تجربه منجر شود، نه ماندن سینمای ایران که دست اندر کارانش هفتاد سال است یک کسب تجربه مغفلند!

شاخص خروج دلوکلو در سه سالن گذشته بیشتر به عنوان منتقد سینما فعالیت می کرد، از اولین بیان ساخت ویڈیو کلیپ محسوب می شود. وی علاوه بر کارگردانی طرایی چند ویڈیو کلیپ، یاتی ساخته شدن آثار دیگران نیز بوده است. با منظور آغاز بحث دربارهٔ چگونگی پیدای ویڈیو کلیپ، برخی تفاوت بدلیل بودن در خصوص این موضوع را در گفت و گو با وی مطرح کرده ایم.



امکانی برای يك تجربه نو

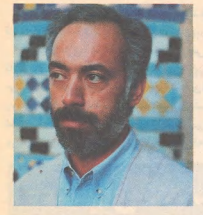
گفت و گو با شاهرخ دلوکلو در باره «ویڈیو کلیپ سازی»

■ با دنگامی به ویڈیو کلیپهای تاکنون ساخته شده، چنین به نظر می رسد، اصلاحات سازهای موسیقی ما و ترکیب کلی تصانیف موسیقی ایرانی با آن فرم بصری که در ساختن ویڈیو کلیپ به کار می رود، نامشخص است و ترکیب ناموزنی به وجود می آورد.

□ به گمانم تقصیر که شما مطرح می کنید تا حدود زیادی قابل طرح است و این از اولین پرسشهایی است که به ذهن منبشند این دو نوع ویڈیو کلیپ، خطوط من که من فکر می کنم از همین موضوع می توان شروع کرد و مسأله و آفردی کلی تر دید: آیا ویڈیو کلیپهایی که ما در ایران می سازیم، ما از شکل آرزوی تو ساختن است که در غرب ساخته می شود و مشهور است، نشانی دارد یا غیره؟ تفاوتها و شباهتها در کجاست؟ یکی از مسائل مهم این است که اگرچه ویڈیو کلیپ طریقی دو دهه اخیر در غرب مورد استفاده قرار می دهم و مفاصل است، من امثال من، خارج می کند. مثلاً گرفته و در همین دور کوتاه بسیار پرفت داشته، اما مادیون است که هنوز می تواند اشکال گوناگون دیگری را تجربه کند. مشکل فعلی ویڈیو کلیپ در غرب داشته باشیم، این پاینده تو: تقریباً برای ایران ناشاخته است. اما صرفاً بعد از آنکه گاه به شکل قانونی و اغلب اوقات به شکلی غیر قانونی با کیفیت نه چندان مطلوب و با آگاهی نه چندان کافی از پرسیمتیه فرهنگی آن تماشا می شود، می حالی که به قول امام محمد غزالی این نقد و بررسی هر پدیده ای ابتدا باید دانشی هم ارز پدیدآورندگان آن کسب کنیم.

چندی پیش در جشنوارهٔ سیما مگرزی بود دربار ویڈیو کلیپ که بنده هم یکی از اعضای آن میزگرد بودم و آنچه بحثی داشتیم دربارهٔ ساختار و زیبایی شناسی ویڈیو کلیپ در غرب. من حدود دوازده مورد از شاخصه های زیبایی شناسی ویڈیو کلیپ را به این ترتیب برشمردم: «فرد زیبایی شناسی قرار دادهای سینمای کلاسیک»؛ یعنی، سینمای کلاسیک با فهم زوایای سر و کار دارد ویڈیو کلیپ، سعی در توهم زدایی کلاسیک است. «استفاده از تکنیکهای سینمای آوانگاره»؛ که خود به خود بر نیمی بازمانده، نقش داستان پردازی و ارائه تعریف جدیدی از تصویر بنا شده است.

«فرد تکنیکهای داستان گوئی سینما»؛ یعنی عدم استفاده کامل از (Reac - P.O.V tion)، استفاده از زمان و مکان ناموسی، ارتباطات تداعوی و ارائه یک ساختار منظم شده سیمی کردم، مفهوم بازی پر فرمتی و ارائه اثر مهم، ولی ادعا کردم که استفاده از موتاثر غیر کلاسیک»؛ یعنی عدم و نه دیگر کسانی که به کلیپ سازی مشغول اند. «حالا فرض کنید که ما همه اینها را به خوبی فراگرفتیم، آیا مشکل شد است؟ حالا فرض کنید خودمان را کاملاً فراموش کردیم، چه در نظر من نه. سؤال دوم این است: آیا حالا فرهنگ خودمان را کاملاً فراموش کردیم، یعنی برای این کار خاص، سینما رفتاری بر گرفته بودید؟ □ من در آن ویڈیو کلیپ، اصلاً به نوع خاصی از ویڈیو کلیپهای غربی و ارتباط

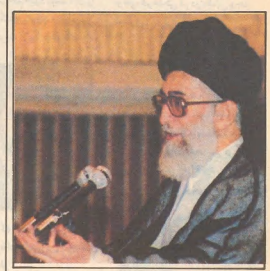


شکلی از ترفندهایی استفاده می کنیم که سازندگان اصلی ویڈیو کلیپ ها اصلاً در ساخته های شاخص خودشان، مورد استفاده قرار نداده اند و چنین مورد استفاده ای را برای این تصور نوده اند.

این گونه توضیح داد: از یک سمت، ما نامشاهنگی مورد اشارهٔ شما را می توانیم سال اخیر نگاه می کنیم، بی چشم به این که در حال حاضر در غرب یکی از مفاهیم مشهور و متداول فرهنگی است و تحت تأثیر فیلیمس پدید آمده و بدون آنکه معنای فقدان حسن چشمی را ارائه بدهد، بر علم ظهور رفتار چشمی خاص به مایل مذکر یا مؤنث بودن تأکید می کند و مایل چکسون مسبل این مفهوم است. «فرهروشن» (Performance) که شیوهٔ خاص بازیگری مربوط به تئاتر سنت مدرن است و ویڈیو کلیپها تبدیل به نوعی بازیگری به معنای درک لحظه ای از متن شده است. کارگردان خواستگاری دارد که بازیگر باید آن را در یک نماه یک ثانیه ای (Shot) «استرپوه لیت» (Self Reflexive)، که نوعی تصویرپردازی است، بدون تلام نوری در کار. «پروفوکسیو» (Self Reflexive)، که شاید بتوانان انعکاس شخصی، ترجمه اش کرد و در اکثر ویڈیو کلیپهای اخیر دیده می شود، به این معنا که علاوه بر نمایش خود به شکل فعلی ویڈیو کلیپ در غرب داشته باشیم، این پاینده تو: تقریباً برای ایران ناشاخته است. اما صرفاً بعد از آنکه گاه به شکل قانونی و اغلب اوقات به شکلی غیر قانونی با کیفیت نه چندان مطلوب و با آگاهی نه چندان کافی از پرسیمتیه فرهنگی آن تماشا می شود، می حالی که به قول امام محمد غزالی این نقد و بررسی هر پدیده ای ابتدا باید دانشی هم ارز پدیدآورندگان آن کسب کنیم.

پس تمرکز سیم کلاسیک، « به اصلاح کلیکی از تبدیلات اصلی فرهنگ پست مدرنیستی است. حالا شما تصافاً بگویید، این شاخصه های اصلی را تا چه حد در میان فیلسازان و دست اندر کاران ما، مخاطبان و تماشاگران کلیپهای ما، سراغ دارید؟ فرض کنید مقوله بازیگری در کلیپهای ما، اصولاً نوع بازیگری سینما و تلویزیون است؛ یعنی، تداوم بازی و تداوم متن کاملاً حفظ می شود و استفاده از بازیگر سینما هم اغلب اوقات این مسأله را تشدید می کند. حالا، خوب بررسی از ما بی اشتاعت جزئی نسبت به این مفاهیم، سعی کرده ایم در کلیپهای خودمان کارهای متفاوت تری عرضه کنیم. مثلاً من در کلیپ بازیگشت و اقق «که هنوز بخش نشده سیمی کردم، مفهوم بازی پر فرمتی و ارائه اثر مهم، ولی ادعا کردم که استفاده از موتاثر غیر کلاسیک»؛ یعنی عدم و نه دیگر کسانی که به کلیپ سازی مشغول اند. «حالا فرض کنید که ما همه اینها را به خوبی فراگرفتیم، آیا مشکل شد است؟ حالا فرض کنید خودمان را کاملاً فراموش کردیم، یعنی برای این کار خاص، سینما رفتاری بر گرفته بودید؟ □ من در آن ویڈیو کلیپ، اصلاً به نوع خاصی از ویڈیو کلیپهای غربی و ارتباط

فرهنگ و تهاجم فرهنگی از نگاه حضرت آیت الله خامنه ای



اول، این است که این فرهنگ را هر چه بیشتر بشناسیم و بفهم، هر چه بهتر آن را می شناسیم. معمولاً یک جانه است؛ یعنی ما منتقد سینمایی ما می نشیند و ویڈیو کلیپ را با چشم سنجایی می بیند و درون کلیپ را با ساختارهای سینمایی جور در نمی آید، اصلاً این بلاغه و قافیه مفهوم کار کرد می داند، یا منتقد دیگری، کارش موسیقی است و چون در این کلیپها مسأله کپی رایت رعایت نشده است، اما این می آید و قوی اثر اش را سر این آه قضیه می آورد، یا حداکثر می گوید چند روز در می آید فلان و پرده فلان، تصویر به طور کامل از این سبقتی بیرون نرود است.

■ شما یک ویڈیو کلیپ ساخته اید به نام «بازیگشت» که به نظر من به دلیل استفاده از موسیقی غربی، در قیاسه با دیگر کلیپهای ساخته شده، اثر موفق تری است.

□ به نظرم جایگزینی به دلیل همان جذابیتی است که ویڈیو کلیپ غربی و این نوع تصویرپردازی و استفاده خاص از تکنیک دارد. نکته ای که مایلیم در آن تأکید کنیم به نظر به عنوان ساختار مهم و اقبال عمومی ویڈیو کلیپ در ایران محیح خودآمد بود. توفیق در به کار گیری این مفهوم فون سینمایی و در فن و تکنیکی است، و این مشخصه اصلی اغلب ویڈیو کلیپ های غربی است که متأسفانه در ایران خیلی جدی گرفته نمی شود؛ چراکه تکنیکی فیلسازی، چندان بها نمی دهیم و فقط در پی ارائه لذیذهای حتمالی هستیم. در حالی که معلوم نیست این همه لذیذشه معنالی، بلکه توسط چه زبانی و به چه وسیله ای قرار است به تماشاگر منتقل شود. یادگیری، خلق و به کار گیری صحیح و پر قدرت فنون کارگردانی و سینمایی، لازمه یی بودن و چواری یک کلیپ خوب است. اگر کلیپ «بازیگشت» آن طور که شما می گوید، اثر جذابید و موفق است، فکر می کنم دلیل این جذابیت، وجود سابه ذهنی نسبت به این نوع ساختار و این نوع تصویرپردازی است. احتمالاً این کلیپ مورد اشاره شما، توانسته به آن فرمها و استعارهها نزدیک شود و نتیجه اش جذابیت بیشتر آن بوده است. با این حال، باید در کنار این نوع کار، سعی کنیم به دنبال راههای جدیدتری باشیم که با استفاده از موسیقی خودمان راهی موفقی بسازیم.

■ پس، شما برای این کار خاص، ساختار متفاوتی بر گرفته بودید؟ □ من در آن ویڈیو کلیپ، اصلاً به نوع خاصی از ویڈیو کلیپهای غربی و ارتباط

آینده رو به فراموشی ست



ای عاشقان آب! ای دوستان شبنم و پاکب! ای مردمان جلگه آوازا! امروز روزی عشق است. امروز روز زمزمه سبزه است. امروز روز هسه مسرخ است. باید دوباره خیابان رفت. باید دوباره برجه و نشان را، بر دوش شب کشید. باید دوباره رو به حقیقت کرد. باید دوباره رخت شهادت را بر طاق ما گذاشت. باید برای عشق پا خاست! باید برای مرغ مهاجر ترانه خواند! باید به افتای رفت! باید در انتظار شقایق نشست! باید ظهور را دریافت!

آه! خورشید خسته است. آینه تو به فراموشیت! آوازهای سرکش نارام در باغ نشینند! دیگر صدای سرخ چکاوک، از بقیه های دور نمی آید. گویی نژاد آبی انسان بر یاد رفته است. گویی نوح سبز زمین مرده است!

باید به فکر بگرد گلهای بودا باید برای گاهان عزا گرفت! باید به سالگرد شهیدان رفت! باید نشست در ره باران و گریه کرد. باید به یاد شهیدان سرود. باید به عشق شهیدان، سه سال زد.

ای روح آبی گلها! برگرد، تا تجلی این انقجار سرخ در قلب عاشقان شهر بسازند! برگرد، تا تازه های ای نیلوفر در این خصوسیت برداش، ما با بستنی بی بی با سفط ای انسان بکش! بی او زمین تو می خرد، ما به لحظه ای که تو در ایران، شهر را در گردن کن می بری! این آسمان بی پرند ما باشد!

مر ما به ای نیلوفران عاشق بر ما سیرا بر به طرفه های سبز کندهما! مرا به صحت یک باغ لاله همسان کن! مرا به زین درختان شاهدانی بر و بادبانگ و بایستی کودکان جهان کن! بگو مسیح چیست؟ بگو چقدر زمان لازم است برای ظهور لانها ما؟ بگو چگونه بال گلشاید، در آسمان تجرد؟ چگونه بر سر کوه ندا، سخن گویم؟

آه چه عشق ای زیبایی! عجب طراوت سبزی! عجب خفایت سخن درین درختخاست! عجب طنین بر از بر که ای! عجب جناب! از شنیدنی! صدای ناله نیلوفران دریایی ست. صدای کوچک مردان عاشق شهربست، صدای ویریزش روح هزار آینه است! صدای سبز درختانست، که از عروج چمنهای سرخ می آید.

تمام دیدیم من، روی دست شبنم بود! تمام دیدیم من تا سحر در ایران بود! تمام دیدیم من امروز، در انتظار چشم تو، ابری ست! و کاش آینه ای می شکست و کاش قسری گمگشته ای به روی شامه من می نشست و کاش یک نظر از پشت سایه می آمد! با ملاقات خورشید، همتنمین می شد.

عزیزم از تب گلوهایی با بگو! وا از مرامت اندیشه های شب بره ها را رنگ کن! عروج فاصلاست! □

TAFICAL LEAD CO LTD

شركت توسعه بازرگانی فتح العباد



به یان
دکتر احمد تفطلی

دکتر احمد تفطلی، محقق و نویسنده رشته کشاورزی روز ۱۵ سال جاری در ۲۵ رشته زبانهای گوناگون حقوق و لیسانس تفطلی در ۱۵ رشته اندیشدانشان بارزتی بود که نظراتش را کمتر می توان یافت. دکتر تفطلی استاد گروه فرهنگ و زبانهای باستانی ایران در دانشکده تهران و معاون علمی فرهنگستان زبان و ادب پارسی بود. وی همسواره بسیاری دانشجویشان نمونه نهادهای و جستجوگری در راه علم بود و طول حیات پربرخود کرد. فنان اسلامی برمیوشی میبهند اسلامی مان تسلیم می گویم.

SOM BIL- CABOT SAFETY

شركت توسعه بازرگانی فتح العباد تهران

شعبه نشر زنان

همزمان با سالگرد انقلاب اسلامی، نخستین شب شعر زنان به همت اداره کار فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می شود. این مراسم، در تاریخ بیست و سوم بهمن ماه، در تالار هنر، واقع در ضلع جنوبی ورزشگاه شهید شیری در ساعت هجده، برپا خواهد شد. در عبادتخانه: از آنجا که هنر، خاصه شعر، در مرزبندیهای اصولی و رایج زنانه و مردانه نمی گنجد؛ چه ضرورتی در اختصاص دادن شب شعر به زنان شاعر و حلق شاعران سره از آن احساس می شود؟

خشایبهای فرهنگی در اینترنت

شبکه کامپیوتری بین المللی اینترنت در ایران، قرار است بزودی تصاویر و شرح زندگی بزرگان فرهنگ، ادب، هنر و علوم ایران از ابتدای تاریخ تا دوران معاصر در خود جای دهد. به این ترتیب، شرح زندگی، عملکرد و تصویر این بزرگان که بخش اعظم تاریخ و تمدن ایران را تشکیل می دهند، به آسانی در دسترس همه جهانیان قرار خواهد گرفت.

درگذشت استاد شریفی چلی

هفته گذشته استاد شریفی چلی، معمار هنرمند و باارزش کشورمان از میان ما رفت. استاد شریفی چلی که در سن ۷۷ سالگی درگذشت، در طول عمر پرپارس بناهای سنتی و زیبایی بسیاری را در سطح کشور طراحی کرده است. از جمله این بناها: مصلای بزرگ امام خمینی (ره)، بیمارستان حضرت زهرا (س)، بنیای اسازاده عبدالملکین و ... را می توان نام برد.

برای رئیس جمهور آینده

اشاره: رسم این است که مسائل فرهنگی - هنری را از مسائل سیاسی جدا می کنند. هرمتندان اغلب بنگران آن هستند که مبادا دانش تجربی نایبند جامعه شان قلمداد نگردد. از آنجا که ما پیش از هر چیز منجر به این خواهد شد که آنها به جزایر کوچک و دور از اجتماعشان تبعید شوند. در شرایطی که اتحادیه های کارگری، انجمن های دانشجویی، تشکل های صنفی و ... در مسائل سیاسی وارد می شوند و با صدور



علیرضا خسته

یکی از مهمترین کاشیهای که در این دوره به چشم می آید، همین کافی نبودن فعالیت های فرهنگی در برنامه های توسعه است. بنیان هر توسعه ای آموزش است. بنابراین، در بخش فرهنگی پیش از هر چیز باید به آموزش توجه شود و طرح و برنامه ریزی های آموزشی در زمینه فرهنگ، یکی از مهمترین کارهایی است که دولت آینده باید صورت ببرد.

رحیم رحیمی پور

انتظار ما از رئیس جمهور آینده، این است که در امور فرهنگی به دور از پیششاهی سیاسی و حکومتی، به طور مستقل و اصولی عمل کند؛ زیرا اگر فرهنگ و هنر بخواهد بازپویه جبرانات سیاسی و گروهی شود، در مرحله اول خودش را از بین می برد. باید در

باینه و معرفی نژادهای انتخاباتی ... در آینده سیاسی کشورشان طرح هایی را مد نظر خواهد داشت. هنرمندان نیز بنگران این هستند که تکلیف فرهنگ و هنر در دولت آینده، چه خواهد بود. بگنجد و به هیچ وجه، فن به مشارکت سیاسی ندهند. بحث رئیس جمهور آینده، یکی از داغ ترین بخشهای سیاسی امروز جامعه است. شاید بیشتر از اینکه چه کسی رئیس جمهور خواهد شد، این مسئله باشد که

می شناسند، سپرده شود. تا امروز معمولاً این طور بوده، افرادی که در رأس کار بوده اند، البته همه آنها، اغلب کسانی بوده اند که مشکلات درد این حرفه را نمی شناسند و به عنوان یک آدم اداری عمل می کرده اند و هر کاره ای ممکن بوده باشد، جز اصل سینما.



ابوالفضل عالی

حفظ ارزشها و تبیین تئورین آن برای نسل آینده و مقابله با مشکلات فرهنگی که فرایر جامعه ما قرار دارد، باید به عنوان محور فعالیت های فرهنگی آینده قرار بگیرد. مهم است که در سیاست های فرهنگی آینده، کج سلیقه ها و تگ نظری باعث از بین رفتن مسائل فرهنگی نشود و یک نگاه سیط و جامع در این زمینه وجود داشته باشد.

عبادالله استغیاری

سؤال کلی و وسیعی است، ولی صدها نظری که داریم، این است که اصولاً فضای برای

برای رئیس جمهور آینده

و گمان کردیم به جای «فرهنگ»، «اقتصاد» زبیرنمای کشور شده است. به طوری که مجموعه دستگاههای فرهنگی کشور هم اگر رنگی را مزاج خود ببینند، آن را کتاری می گذارند و به مسائل اقتصادی خوشام می پرزند.



امیدوارم که رئیس جمهور آینده، عنایت ویژه ای در موفیق فرهنگ داشته باشد.



حسین الله صادقی

امیدوارم که رئیس جمهور آینده، عنایت ویژه ای در موفیق فرهنگ داشته باشد. اغلب کسانی بوده اند که مشکلات درد این حرفه را نمی شناسند و به عنوان یک آدم اداری عمل می کرده اند و هر کاره ای ممکن بوده باشد، جز اصل سینما.

حسین الله صادقی

امیدوارم که رئیس جمهور آینده، عنایت ویژه ای در موفیق فرهنگ داشته باشد.

کستانتین شاپیرو، یک قرن و نیم پیش متولد شد و یک قرن قبل درگذشت، اما عکسها و اشعارش همچنان زنده اند. منتقدان هنری، خوانندگان و همچنین مردمی که عکسهای قدیمی او دوست دارند، عکسهای کستانتین شاپیرو را به خوبی می شناسند. عکسهای وی نظیر او، چه رتوسیسیاری از نویسندگان روسی را برای ما حفظ کرده است. نمی توانیم تمام عکسهای شاپیرو را دقیقاً تاریخ گذاری کرد و لازم است چهزهای بیشتری درباره کار او بدانیم. اجزای اطلاعاتی که دربار او در

عکسهای قدیمی، رایحه ابدیت

ترجمه عبدالمنجد اسکندری

جملات، روزنامه ها، دلبره المعارف ها و خاطرات معاصرانش پیدا می شود و با هم تناسب می یابد به ما کمک می کند که تصویری از این عکاس شاعر ترسیم کنیم. شاپیرو در سال ۱۸۴۰ در «گرونیو» به دنیا آمد. پدرش که یک یهودی مؤمن بود، پسر را به خاطر اشتیاق به افکار روشنگریانه و نوشتن شعر سرزنش می کرد. مرد جوان خانواده اش را ترک کرد در جهان به سیر و سیاحت پرداخت. در سال ۱۸۴۸ به وین رفت در آنجا با پرترس اسمولنسکین (Perets Smolenskin) آشنا شد که حسن و سال او بود و کسی بود که جمله «سید» را منتشر می کرد. اسمولنسکین، جنگجوی پرشور علیه جنبه های تیره زندگی یهودی بود و بر



ولادیمیر دایداوف (۱۹۲۳-۱۸۲۹) و هنرپیشه پترو شاتار «کستانتین اسکندری» در سنت پترزبورگ (مسکو) با هنرپیشگان همکارش

یهودی جوان بسیار تاثیر گذار. شاپیرو با اسمولنسکین، دیدگاههای مشترکی داشت. وی در وین بر هنر عکاسی از جمله آخرین تکنیکهای آن تسلط پیدا کرد. وین در آن زمان، محل تولد بسیاری از ابداعات عکاسی بود. در پایان سال ۱۸۶۸ یا اوایل ۱۸۶۹، شاپیرو وارد سنت پترزبورگ شد. بر اساس رسوم آن دوره، شاعر مجبور بود به دین ارتدوکس درآید تا اجازه یابد، استودیو عکاسی خودش را باز کند. در سال ۱۸۷۰ در وین درباره عکاسی به او کمک زیادی کرد. در سال ۱۸۷۰ در نمایشگاه تولیدات روسی، دیلم افتخار به آوازه اهدا شد. آغاز سال ۱۸۸۰، شاپیرو آلبومی باشکوه از عکسهای نویسندگان روسی، دانشمندان و هنرپیشگان منتشر کرد. آلبوم شامل تصاویری از ایوان گنچارف، فتودور داستایفسکی، نیکلاس نکرانسف، میکائیل سالتیکیوف، شدردین و ایوان تورگینف بود.

دو سال بعد، شاپیرو و روی کار بر آلبوم عکس اراژتر را از نویسندگان و دانشمندان به قصد عرضه به مردم عادی شروع کرد. روزنامه «مسکوسکی و دومیستی» (Moskovski)



فتودور داستایفسکی (۱۸۸۱-۱۸۱۲) نویسنده



ولادیمیر دایداوف (۱۹۲۳-۱۸۲۹) و هنرپیشه پترو شاتار «کستانتین اسکندری» در سنت پترزبورگ (مسکو) با هنرپیشگان همکارش



ایوان گنچارف (۱۸۹۱-۱۸۱۲) نویسنده



الکساندر بروین (۱۸۸۷-۱۸۳۳) آهنگساز و دانشمند

نویسندگان: آنتون جیروف (۱۹۰۴-۱۸۶۰)، دیستری ماین سیریانک (۱۹۱۲-۱۸۵۲) و ریگنی پاپینکو (۱۹۴۹-۱۸۵۶)



دو سال بعد، شاپیرو و روی کار بر آلبوم عکس اراژتر را از نویسندگان و دانشمندان به قصد عرضه به مردم عادی شروع کرد. روزنامه «مسکوسکی و دومیستی» (Moskovski)



ایوان گنچارف (۱۸۹۱-۱۸۱۲) نویسنده



الکساندر بروین (۱۸۸۷-۱۸۳۳) آهنگساز و دانشمند

نویسندگان: آنتون جیروف (۱۹۰۴-۱۸۶۰)، دیستری ماین سیریانک (۱۹۱۲-۱۸۵۲) و ریگنی پاپینکو (۱۹۴۹-۱۸۵۶)



دو سال بعد، شاپیرو و روی کار بر آلبوم عکس اراژتر را از نویسندگان و دانشمندان به قصد عرضه به مردم عادی شروع کرد. روزنامه «مسکوسکی و دومیستی» (Moskovski)

مرکز ماشینهای اداری و آموزشی پیشرو

نماینده انحصاری سیستمهای اداری الیوتی در ایران و سازنده انواع کامپیوترهای سازگار با IBM



PENTIU 200 80386 (همراه با یکسال گارانتی)

توران - خیابان شریعتی، پایین تر از چهارشیراز شماره ۳۹۹ تلفن ۳-۷۵۲۸۲۲۱ فکس ۷۵۰۲۲۹۲

فکس پرینتر الیوتی (فکس)، پرینتر، فتوکپی و اسکنر

اهل شعبده و راز ماهواره

گفت و گو با
پیوستگی میرونگانک

● شما برای عالم و آدم
منعایی جز صلاح و فساد
اخلاقی قابل نیستید و گمان
می برید که آدم پستی پالت
یا کزده، پاستویزه، و این آدم
که چیزی است از ذیبل عزیز و
صندلی، هیچ نشستی یا فساد
ندارد، مگر اینکه در معرض
ماهواره قرار بگیرد، بنابراین
حتی اگر کسی برای ماهواره
قابل به غیبت دینی و انقلابی
باشد در نظر شما توبیخ کننده
مفاسد اخلاقی است.

نسل جدید ماهواره ها

نسل جدید ماهواره های
تلویزیونی بزودی وارد بازار
می شوند. این نوع ماهواره بیش
از دوپست کانال تلویزیونی را یا
کیفیت عالی و دیدنیتری را
گزینه های زینتی می رساند.
کشورهای اروپایی هر یک در پی
راه اندازی کانالهای متعددی
هستند که معاهده در بخش
برنامه های این دوپست کانال
خواهد شد. کنترل بخش برنامه
این نوع ماهواره تنها در دست
ساحبان خصوصی این
کشورهاست. گرچه نظیر این
اخبار را هر روز می شنویم اما
مستحقان راه چساره و در پی
جنب آوری تشنه های ماهواره ای
و جرمه نقدی می بینیم.
آیا فردا در نخواهد بود؟

● اشاره: در مورد ماهواره حرف و حدیث زیاد است. مهم نیست که ما یا ماهواره موفقیم یا مفلکیم، مهم این است که تلخی ما از ماهواره و نظام نوین ارتباطات چیست. پوسمناسی میرونگانک در این مورد حرفهای شنیته دارد که آنها را در سه بخش از نظر خوانندگان عزیز می گوییم. ضمناً اضافه می کنیم که باب بحث در مورد ماهواره و بطور کلی ارتباطات، باز است.

● اگر به خاطر داشته باشید، پیش از ورود ماهواره، مطلقاً دانشدیده ای عنوان «رازل شو شعبده» ماهواره بود. «یک ایشاک مطلی می دانشم با عنوان اهل شعبده و راز ماهواره»
- و بعد از ورود ماهواره، در مجله گزارش فیلم، مطلقاً دانشدیده با عنوان «امروز و فردای این آینه»
- عنوان اصلی مطلب دوم «ماهواره و یک میلیارد سبب زینتی» بود.

- به هر حال، بی خواستم بپرسم هنوز هم با آنچه که در آن دو مقاله نوشته اید، موفقید برای ماهواره همان غایبی را قابل حسیته که در آن دو مقاله قابل بود؟
- من در آن دو مطلب، به توضیح و تصریح اشاره کرده بودم که ماهواره، آینه ای است که جمعا حضرت بقیه الله الاعظم را به ما نشان خواهد داد، در اخبار و روایات مربوط به ظهور حضرت موعود، آمده است که آن جناب در جایی خواهد ایستاد که تمام مردم عالم او را خواهند دید و صدای او را خواهند شنید، من وقتی که هنوز دوره ابتدایی را تمام نکرده بودم، کتابی را در باب ملاحظه و رفتن می خواندم، در روستا بودیم و به هیچ آدمی که سر از این ماجرا بیارود، دسترسی نداشتیم، به ناچار از وهم و خیال خود کمک گرفتم و مطلب را برای خودم این طور گرفته اید، بعری هم نپرداز، یکی از اقتضات سیاستزده گی سادگرفتن و ساده کردن مطلب دشوار است، چون نظر به قایده و ضرر و درد و اثبات است، پیچیده ترین مسائل عالم ساده می شوند تا بشود آنها را در افق سود و زیان روزمره قرار داد و تکلیفشان را معلوم کرد.

علیه نیز رؤیت نخواهد شد، مگر در آینه این رساله و این یخنین یا آنکار شدن ماهواره، قطعیت پیدا کرد.
- شما ماهواره را با نظر به این غایت موجه می دانید؟
- موجه؟ منظورتان این است که من ماهواره را توجیه می کنم؟ مطلب را ساده گرفته اید، بعری هم نپرداز، یکی از اقتضات سیاستزده گی سادگرفتن و ساده کردن مطلب دشوار است، چون نظر به قایده و ضرر و درد و اثبات است، پیچیده ترین مسائل عالم ساده می شوند تا بشود آنها را در افق سود و زیان روزمره قرار داد و تکلیفشان را معلوم کرد.
- مگر نه اینکه شما برای ماهواره چنین غایبی قابل حسیته؟
- ببین جناب! آدمی در پرتو تفکری که دارد و بر اساس مسیری که در ماهیت رساله های دیداری داشته، پیش کرده است که امام زمان صلوات الله علیه در آینه ماهواره جلوه خواهد کرد. این مطلب چه ربطی به توجیه ماهواره دارد؟
- فکر نمی کنید مفاسد ماهواره با این حرف پوشیده می شود؟
- توجه فرمایید که تلویزیون پیش از

۱۲ بهمن ۵۷، آینه ای بود که گو گوش و مهستی و مایه و ... در آن جلوه می کردند و برای همین هم بسیاری از مردم تلویزیون نداشتند، اما روزی که قرار شد همین آینه، امام رضا ارحم الله علیه را نشان بدهد، تلویزیون ملام، ناگهان منسوخ شد و آینه ای که نظر کردن در آن حرام بود، ناگهان مقدس پیدا کرد. من پیش دارم که همین حدیث و تکیه و ماهواره هم خواهیم داشت؟

- این حرف به این معنا نیست که دانش ماهواره لازم است؟
- خیر، دانش تلویزیون هم لازم نیست.
- من که سردرمنی آدم.
- نباید هم سردرمنی بودید، شما برای ماهواره ماهواره را با هم حساب باید همه چیز را به



امان خدا رها کرد. همه چیز در امان خدا هست، چه رها کنید، چه رها نکنید، دست بر فضا از هنگام وضعی که شما خواسته یا ناخواسته به خود آن مسلط دارید، شیرازه تمام امور از هم گسته است.
- اگر اجازه فرمایید به بحث ماهواره بپردازم.
- کتابی که مثل شما فکر نمی کنید، تکلیفشان یا ماهواره چیست؟
- یعنی کسانی که چنان غایبی برای ماهواره قابل حسیته؟ درست توجه شما؟ بسیار خوب! کسانی که برای ماهواره چنان غایبی قابل نیستند، چند گروهند: گروهی که اصولاً برای جهان و انسان غایبی بیرون از خود و خراب و خشمگین و شهسوخت نمی شناسند. گروهی که برای جهان و انسان غایب اخروی و الهی قابل اند، اما گمان می برند که اشیاء و ابزار، و ویژه ابزار تکنولوژیک، نشستی یا این غایب ندارند. گروه دیگر که صورت غالب اند، اصولاً کاری به کار غایب خود ندارند تا چه رسد به اینکه غایب رساله ای همچون ماهواره برای آنها مطرح باشد. اینندگان مستحله خدا، بام تا شام در پی لقمه ای نان پرسم می زنند و پراختن به هر گونه غایبی را کار از کار بهتران می دانند. گروه آخر، اهل قدرت اند که نه تنها در نسبت با ماهواره که در نسبت با تمام خدای راز نیستند که ماهواره، چه کسی اختیار می کنند، چه کسی می تواند تعیین کند، اگر کنترل ماهواره در تمام جهان در اختیار شما بود، در روزی که بالاخره پیش خواهد آمد، شما فکر ظهور

حضرت موعود را مخایره می کردید؟
- شما یا غایبی که برای ماهواره قابل حسیته، از اکنون آن غفلت می کنید.
- من از اکنون ماهواره غافل نیستم، اما این رهام می دلم که غفلت از غایبات، چه در نسبت با رساله ها، چه در نسبت با انسان، کسای جز فرام می آورند با هم بحران و تکیه و پلشتی، از پیش نمی برد.

نمایش درامتی! مجموع رفتارهایی که بودن و زندگی ما را ممکن می کنند، در قالب اجزا یا بازسازی می کند. در واقع فرصتی فراهم می آورد تا فرد به پیغامی فریبت و تمدن نقشه های خوش آنگه گردد. در نمایش درامتی! با قرار دادن درامی در شرایطی مشابه با آنچه بر او رخ داده و مسیر شگوفایی اش را مسدود کرده است، موفقیتی فراهم می کند تا آن شخص بتواند با کم کردن فاصله کشش عاطفی / شناختی، به بررسی و گره کشایی مشکل خود بپردازد. به باور درانگران این رشته، همین بازآفرینی صرف حادته، درمانجویی را قادر می سازد تا به کم مطلب یا مشکل خودی برود، واکشهایی تحریری را به خود -شگوفایی بدل سازد. یکی از مهم ترین ابزارهای این تغییر در نمایش درامتی «جابه جایی نقش» نام دارد.

حتمی که درمانجویی به یک درانرگر مراجعه می کند، برای او هیچ داستان از پیش تعیین شده ای در نظر گرفته نمی شود، تنها از درمانجویی خواسته می شود تا به بازآفرینی وضعیت خود که درگیر آن بوده، بپردازد. البته گزینن یا نه بودن، یکی از شخصیتهای مشهور نمایش انتخاب می کنند و از او می خواهند داستان را هر طور که مایل است به پایان برساند. در اینجا نقش درانرگر، تنها جلوگیری از رسیدن درمانجویی به بن بست است. درانرگر با به موقعیت، نگاهه در یک لحظه هم جوشی (خودنگینگی) کنار سایر افراد گروه، وارد اجرا می شود. چگونگی اجرائ نقش درمانجویی را وامی دارد تا به ضرب کش شناختی به اساس گیر و گره خودی برود.

گروه - درامتیهایی از این دست، ما را به یاد مراسم و فضای آیین های ختق می اندازد: فضاسازی در گروه به منظور رساندن درمانجویی به سوی غایب مطلب، و گره کشایی از ذهن و روان اوست. با توجه به طوط خودجوشی اتفاق می افتد و درمانجویی پس از آوج گیری در اجرای نقش، خویش چار انتخاب و سپس تخلیه میجانی می شود. تازه در اینجاخاست که می توان به کش شناختی دست یافت. درواقع، هر اجرا بازآفرینی رخدادی است که یک بار پیش از این، اتفاق افتاده و سپس پایان پذیرفته است. هدف از بازسازی حوادث و روابط توسط درمانجویی، نخست ارتقای سطح شناسایی او از رخداد، و سپس تغییر دادن پایان آن واقعه است، چنان که در این های اساطیری به چشم می خورد.

به نظر میرچا لیهاد، اساطیری نمونه همه اعمال انیتشیده شده و معنی دار انسانی به شمار می روند. شناخت اسطوره به معنای شناخت اصل و اساس روابط و رفتارهاست. این کش شناختی یک معرفت بیرونی و انتزاعی است، بلکه شناختی «آیینی» به حساب می آید. این شناخت، در جریان برپایی تشریفات و برگزاری مراسم به دست می آید که بی شباهت به جلسات گروه درامتی توسط درانرگران نمایش درامتی» نیست.
افشارگی نقش و جایگاه «داستان» در نمایش درامتی و

زنگی - نتار (۲)



● نمای باران
داوود کتایان / چاپ اول:
دی ۱۳۷۵ / تیراز: ۳۳۰۰
نسخه / مؤسسه انتشارات سوریه



● نمای باران
داوود کتایان / چاپ اول:
دی ۱۳۷۵ / تیراز: ۳۳۰۰
نسخه / مؤسسه انتشارات سوریه

● نمای باران
داوود کتایان / چاپ اول:
دی ۱۳۷۵ / تیراز: ۳۳۰۰
نسخه / مؤسسه انتشارات سوریه

بحثی در باره نمایش درمانی منیره محامدی - حمید فولاد قلم



از میان علوم بی شماری که انسان و موقبت او بر بررسی می کنند، تنها نمایش درامتی و بهیچ همت خود را پاسخ گوئی به این پرسش قرار داده است که چگونه می توان سبب مناسب جهت اجرای بهتر نقشهای زندگی بافت؟

نمایش درامتی! مجموع رفتارهایی که بودن و زندگی ما را ممکن می کنند، در قالب اجزا یا بازسازی می کند. در واقع فرصتی فراهم می آورد تا فرد به پیغامی فریبت و تمدن نقشه های خوش آنگه گردد. در نمایش درامتی! با قرار دادن درامی در شرایطی مشابه با آنچه بر او رخ داده و مسیر شگوفایی اش را مسدود کرده است، موفقیتی فراهم می کند تا آن شخص بتواند با کم کردن فاصله کشش عاطفی / شناختی، به بررسی و گره کشایی مشکل خود بپردازد. به باور درانگران این رشته، همین بازآفرینی صرف حادته، درمانجویی را قادر می سازد تا به کم مطلب یا مشکل خودی برود، واکشهایی تحریری را به خود -شگوفایی بدل سازد. یکی از مهم ترین ابزارهای این تغییر در نمایش درامتی «جابه جایی نقش» نام دارد.

حتمی که درمانجویی به یک درانرگر مراجعه می کند، برای او هیچ داستان از پیش تعیین شده ای در نظر گرفته نمی شود، تنها از درمانجویی خواسته می شود تا به بازآفرینی وضعیت خود که درگیر آن بوده، بپردازد. البته گزینن یا نه بودن، یکی از شخصیتهای مشهور نمایش انتخاب می کنند و از او می خواهند داستان را هر طور که مایل است به پایان برساند. در اینجا نقش درانرگر، تنها جلوگیری از رسیدن درمانجویی به بن بست است. درانرگر با به موقعیت، نگاهه در یک لحظه هم جوشی (خودنگینگی) کنار سایر افراد گروه، وارد اجرا می شود. چگونگی اجرائ نقش درمانجویی را وامی دارد تا به ضرب کش شناختی به اساس گیر و گره خودی برود.

گروه - درامتیهایی از این دست، ما را به یاد مراسم و فضای آیین های ختق می اندازد: فضاسازی در گروه به منظور رساندن درمانجویی به سوی غایب مطلب، و گره کشایی از ذهن و روان اوست. با توجه به طوط خودجوشی اتفاق می افتد و درمانجویی پس از آوج گیری در اجرای نقش، خویش چار انتخاب و سپس تخلیه میجانی می شود. تازه در اینجاخاست که می توان به کش شناختی دست یافت. درواقع، هر اجرا بازآفرینی رخدادی است که یک بار پیش از این، اتفاق افتاده و سپس پایان پذیرفته است. هدف از بازسازی حوادث و روابط توسط درمانجویی، نخست ارتقای سطح شناسایی او از رخداد، و سپس تغییر دادن پایان آن واقعه است، چنان که در این های اساطیری به چشم می خورد.

به نظر میرچا لیهاد، اساطیری نمونه همه اعمال انیتشیده شده و معنی دار انسانی به شمار می روند. شناخت اسطوره به معنای شناخت اصل و اساس روابط و رفتارهاست. این کش شناختی یک معرفت بیرونی و انتزاعی است، بلکه شناختی «آیینی» به حساب می آید. این شناخت، در جریان برپایی تشریفات و برگزاری مراسم به دست می آید که بی شباهت به جلسات گروه درامتی توسط درانرگران نمایش درامتی» نیست.
افشارگی نقش و جایگاه «داستان» در نمایش درامتی و

تلفن ها:

۶۴۶۰۹۹۳ - ۶۴۱۲۴۳۴ - ۶۴۹۳۱۶۹
۶۴۶۰۹۹۴ - ۶۴۶۹۹۵۰ - ۶۴۶۰۹۹۴
۶۴۶۹۹۴۷ - ۶۴۹۳۱۷۰ - ۶۴۶۹۹۴۷

آدرس: تهران - خیابان حافظ - خیابان رشت شماره ۲۳ طبقه چهارم

تلفن ها:
۶۴۶۰۹۹۳ - ۶۴۱۲۴۳۴ - ۶۴۹۳۱۶۹
۶۴۶۰۹۹۴ - ۶۴۶۹۹۵۰ - ۶۴۶۰۹۹۴
۶۴۶۹۹۴۷ - ۶۴۹۳۱۷۰ - ۶۴۶۹۹۴۷
آدرس: تهران - خیابان حافظ - خیابان رشت شماره ۲۳ طبقه چهارم

بزودی نمایندگی کل فروش بیلط
قطارهای مسافری راه آهن جمهوری
اسلامی ایران در تهران بزرگ به تمام
نقاط کشور.
● نمایندگی فروش کلیه خطوط هوایی
داخلی و خارجی
● توره های داخلی و خارجی
● تهیه ویزای بدی - زور و هتل
تهران - خیابان خالد اسلامی پلاک ۲۵
تلفن: ۰۲۵-۶۵۰۱۱۸، ۰۲۵-۹۲۲
۰۲۵-۸۷۲۲۸۰، ۰۲۵-۱۵۰
مدیر فن: ۰۲۵-۸۷۲۲۸۰، ۰۲۵-۸۷۲۲۸۰
تاکس: ۰۲۵-۶۵۸۱۳۵، ۰۲۵-۸۷۲۲۵



عزیز کوسمپن

آواز کوسمپن
چاپ اول: ۱۳۷۵/۱ تیراز: ۳۳۰ نسخه/
مؤسسه انتشارات سورہ

شبهای بی فانوس
چاپ اول: ۱۳۷۵/۱ تیراز: ۳۳۰ نسخه/
مؤسسه انتشارات سورہ

دوستی بیادیشی برای گروه
مقاله‌ها و نوشته‌ها
مؤسسه انتشارات سورہ

بازش نور
محمدحسین بهشتی

شیراز: چاپ اول: ۱۳۷۴/
تیراز: ۲۰۰ نسخه/ ناشر:
بیتیر

مجموعه حافظه گروهی کرده ای
از غزلهای و فرهنگ‌های استاد

بهشتی است که در همین
سورده‌های ایشان با حسیتم

اداره گل ارشد فرهنگش و
اسلامی ایران رکن؛ انتخاب شده

به و چنان رسیده است. اشعار
این کتاب از نظر موضوع و

محتوا به چند بخش تقسیم
شده است: بخش اشعار

نوحیدی، مناجاتی، عرفانی و
اخلاقی که با عنوان «آینه چاه»

شخص شده‌اند. بخش دوم
اشعاری است دربرابر آیت، نبوت،

و آیت، میلاد و شهادت و بیان
منابع خاندان عصمت که با نام

عشق آباد را عشق است

بعضی از هنرمندان مثل
بیم منبجر می‌شوند و سر و
صدای آنها در عالم منر - ملی یا

جهانی - می‌پیچد و ما متوجه
خود می‌کنند. این آدمها با
خوش شانس اند یا نبغه و نوآوری

است این سه با هم جمع شود.
بعضی دیگر چنین نیستند؛ آرام آرام

شکل می‌گیرند. بزرگ می‌شوند و
چیزی برای خوشایندی پیدا می‌کنند.

اولی‌ها مطرح‌ترند و دومی‌ها
مانند گارتر. دایره میراثی از آن

اولی‌ها نیست که دو هفته آنده
باشد و با اولین کارش روز بعد راه

انداخته باشد. مطرح شده باشد
و یوپی و یک جریان هنری. او با آثاری

مانند جریان مانکن کار خودش را
شروع کرد، حکایت سفار چنانک،

سرال گرگها خاکستری رنگند،
سرال رضا را ساخت، فیلم
سینمایی آم پرستی را نوشته بود

کار گروهی کرد، در عرصه نمایش
صحنه مردم در کوه و نوشتن

مدیرمسئول: داور محمدزاد
مدیر: داور محمدزاد
نویسنده: داور محمدزاد



داود میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

نمایشگاه بازرگانی در «تکیه دولت»

تکیه دولت سرگذشت خوانندگی و
سرنوشت ساقبازی دارد. این تکیه در سالهای
۱۲۷۲ - ۱۲۷۳ شمسی به دستور ناصرالدین

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

صحنه‌هایی بلند و دلنشین را پدید می‌آورد.
یک جایگزین اروپایی که روزگاری از
عهدنصری را در ایران گل‌راند، در وصف

تکیه دولت: «در تکیه که آن «تکیه» از دوران
قاجاریه منبجر شد و بر گرد کارکن آن در سه
فضایی، تانقماهی کشیکباری شده، ساخته

بودند. آهنهایی مشکب و بسیار ظریف نیز
سقف تکیه را می‌پوشانده که کار استادان با
ذوق و هنر آن دوره بوده است. چارچوب‌های

فلز و رنگارنگ از سقف تکیه آویزان بوده
و شکوه و جلال عجیبی به این بنا می‌بخشیده
است. به آهنهای مشکب سقف نیز چاره‌هایی

تکیه دولت سرگذشت خوانندگی و
سرنوشت ساقبازی دارد. این تکیه در سالهای
۱۲۷۲ - ۱۲۷۳ شمسی به دستور ناصرالدین

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

عصر صلور نشانه‌ها و تصاویر، عصری نوین در نظام سرمایه داری



نظام سرمایه داری که ماهیتش
عصر استعمار ساحلی تا دوره بروز
امپریالیسم و ظهور انحصارهای کلان،

ماهیت سودپرستانه‌اش، به دنبال گسترش
حوزه‌های نفوذ خود تا سرحدی نه‌باید
است. سرمایه داری تاکنون مراحل متعددی

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

تهلیل‌های فرهنگی
را جلدی بگیریم

اسلام هم مثل سال پیش
گلنشد و بازار فرهنگی رونق
نداشت. با یک بررسی اجمالی

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

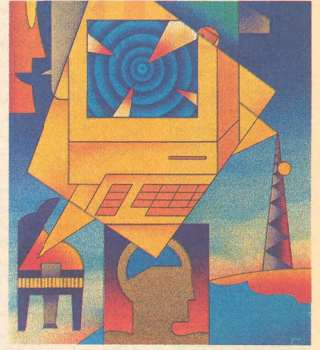
میر باقری چنان توانی دارد که در این عرصه‌ها چیزی برای گفتن
داشته باشد. دایه پنداری بخاطر زودده است که در پشتی و زوئی نام می‌نویسد

BAHARAN CARPETS
شیراز کتبیان فرش‌سازان کاشان

رسانه‌ها در گردونه خطر

انگلیسو رامونزه | ترجمه محمد عوادزاده

تحقیق اخیر فاش ساخت که اعتماد فرانسوی‌ها به رسانه‌ها فروپاشیده است. (۱) در طول سال ۲۰۰۸، شمار کسانی که شیوه‌های نشریات در بازتاب حوادث را پذیرفته‌اند باره‌تر از هر سال گذشته بوده است؛ ۵۶ درصد به ۴۵ درصد. همچنین در مورد تلویزیون که از ۶۰ درصد به ۲۵ درصد نزول کرده، یعنی ۱۵ درصد سقوط از زمان مرگ فرانسیس میتران و نیز افشای خبرهای پخش شده در این باره (که برخی از آنها به شکل اسف‌باری سانسور گردید) یا حرکت‌های نفرت‌انگیز رسانه‌ها به‌بابت رسید.



● در عصر شاهراهی اطلاعات، بخشی که پیشتر توسعه اقتصادی داشته، بخش تبلیغات است. این بخش، بی تردید سرمایه‌گذاری کلان‌تری خواهد بود.

در دموکراسی، این دیدگاهی صحیح و معقول نیست. اول از آن رو که این دیدگاهی، عملکرد مدنی اطلاع‌رسانی را که همانا جهت‌دانی به فکر شهروندان است مورد اتهام قرار می‌دهد و به طور قطع بر نحوه انتخابات مردمی تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، این دیدگاهی باعث می‌شود افراد بسیاری از مضمون‌هایی که به تولید این بحران دامن می‌زند دور شوند. مثلاً در ایالات متحده، هفت روزنامه از ده روزنامه‌مهم - از جمله نیویورک تایمز، واشینگتن پست، لس‌آنجلس تایمز و وال استریٹ ژورنال - شاهد کاهش فروش خود در سال گذشته بودند. در انگلستان نیز همین پدیده رخ داد: روزنامه محبوب Today نیز از ۵۰۰۰۰۰ نسخه تنظیم شد. در هفته‌های اخیر در فرانسه نیز بسته شدن روزنامه InfoMatin و در اکتیو است.

گرفت کنترل نشریه لبراسیون Liberation (که به اهتمام ژان پل سارتر در سال ۱۹۴۳ بنیان نهاده شد) از سوی گروه صنعتی شارژور (Chargeurs) را ششامسد بودیم (۲). در اکثر سال‌های گذشته، ششامسد بودیم گروه‌های اس‌اواس (Havas)، مالک مجموعه‌ای از آژانس‌های تبلیغاتی که قبلاً روزنامه‌های مهم اسپرس، لپوون و کوریه انترناسیونال را منتشر کرده بود، به شرکت لکاتل ترسیم می‌کنند. واقعیت و دروغ که همسایه‌های اصلی کار محسوس‌ترین، بدین ترتیب به شکلی قابل مریض فراموش شده است. و این لغزش‌ها حتی تکرار می‌شود بی آنکه کسی بیاد گذارد.

برگردیم به قدرتهای صنعتی و مالی از یک طرف و رسانه‌های همگانی از سوی دیگر. بافتار کاهش چشمگیر اعتبار رسانه‌ها در اغلب موارد، نهادهای اطلاع‌رسانی از ایجاد ارتباط‌های مشترک متقاطع که آنها را با فلاان یا پیمان گروه متصل می‌سازد، خودرایی می‌کنند. وقتی زدوبندهای سیاسی رنگ و بوی تجاری، صنعتی به خود اختصاص می‌دهد، گاهی به یون یا نیون ارتباط‌های وابستگی نسبت به واسطه حضور غیرمستقیم تبلیغات، این قدرتها که بعضی اوقات از تبلیغ دهنده تجاری عمده به شمار می‌آیند، روی رسانه‌ها نیز فشار می‌آورند و حتی به طور محسوس بر محتوای آنها تأثیر می‌گذارند. پژوهش‌های جدیدی در مورد تبلیغات نشان می‌دهد که همسایه‌های بسیاری از رسانه‌ها در وضعیت وابستگی به تبلیغ دهنده‌ها که شرکت‌های صنعتی چندبرابر شده است. از جمله اقدام‌هایی که اخیراً در ایالات متحده رخ داده، پیوستن شبکه تلویزیونی ABC به شرکت دیسنی، CBS به شرکت‌های رسانه‌ای NBC به جنرال الکتریک و اقدام CNN با تایم و وارنر محسوب می‌شود. رونق‌دهنده‌های نوین اقتصادی - ارتباطی برای هیئت تحریریه؛ هیئت که تقریباً در هر نقطه به کنار رفته است. امروزه، روزنامه نگاران، روزنامه‌های جدید هستند که به محسوسین اطلاعات به عنوان کالای ساده‌ای

می‌کند. نظریه‌ها اینگونه رسانه‌ها قدرتی مهمتر از قدرتی سیاسی شده‌اند، سستی می‌کنند و روند گسترش حوزه نفوذ معطوف به سوی خود را آهسته نمایند. رسانه‌ها به شکل حاکمان این بازی درآمده‌اند (امروزه، دولتها نه در مردم بر مبنای مجلس بلکه در برابر رسانه‌ها و نهادهای تحقیقاتی مشغول هستند)؛ نوعی بازی که این پس‌و‌پیش آنرا قدرتهای پولی تعیین می‌کنند.

همه این موارد به تقویت این احساس در شهروندان کمک می‌کند که بسیاری از روزنامه‌ها دیگر نقش فشد - حاکمیت خود را از دست داده‌اند و در عرصه‌های دیگر به قدرت رسیده‌اند. باید برای دفاع از آزادی بیان و استقلال مطبوعات دوباره بجنگ شد.

● مطبوعات از تلاش تاریخی علیه قدرت سیاسی بیدار آیدند، پیش می‌آیند در کسوت این گدایان رسانه‌های پدید می‌آید. ●

● مطبوعات که از لحاظ تاریخی علیه قدرت سیاسی پدید آمدند، پیش از این می‌آیند در کسوت این گدایان رسانه‌های پدید می‌آید. ●



● مطبوعات که از لحاظ تاریخی علیه قدرت سیاسی پدید آمدند، پیش از این می‌آیند در کسوت این گدایان رسانه‌های پدید می‌آید. ●

● مطبوعات که از لحاظ تاریخی علیه قدرت سیاسی پدید آمدند، پیش از این می‌آیند در کسوت این گدایان رسانه‌های پدید می‌آید. ●

● مطبوعات که از لحاظ تاریخی علیه قدرت سیاسی پدید آمدند، پیش از این می‌آیند در کسوت این گدایان رسانه‌های پدید می‌آید. ●



و یکی از نمونه‌های موفق این نوع کار بود. میراثی با بهره‌گیری از شکل نمایش شرقی، که در آن ردایی از آثار بیان مفید به خصوص شهر قندهار، او به راحتی متبادر است، تماشاگر را با شکل دیگری از تئاتر مواجعه می‌کند. نوعی نمایش که در آن، جلوه‌های دیداری و شنیداری با استفاده از آوازها، ضرب‌المثل‌ها، مهلتا، زبان مردم کوچک و بزرگ و حرکت‌های ریتمیک و موزون خلق می‌شود. مجموعه‌ای از عناصر که تماشاگر امروز ما کمتر شاهد آن بوده است؛ و مجموعه‌ای همخوانی دیدارگری صحنه (گروه و خنجران و پسران) با ریتم و ترانه‌های آشنا، خود به خود در تماشاگر حس و اشتیاق پدید می‌آورد و مسائلی را مربوط به عشق از دیدگاهی طنزآمیز که گاه از فریب‌ناخته در طنز، به یودگی و جوی نزدیک می‌شود، طرح می‌کند، که برای مخاطب جذاب است و در حین حال، او را می‌خنداند. اتفاقاً که در نمایش‌های سالهای اخیر کشور رخ می‌دهد. این تلاش برای جذب و نگهداری مخاطب، آن نمونه گروه و کارگردان را به خود مشغول می‌کند که گاه در هر عنصری برای تداوم آن و کسب خنده تماشاگر تلاش می‌کنند و در نتیجه، در دام ساده‌انگاری و پیمان معمولی تکرار و تکرار جنبه‌های قضایی می‌افتند.

این گردی در اجرا و بی‌علاقه در برخی لحظات، نمی‌تواند برخی از فضاهای خالی متن را پر کند و یا به سؤالاتی زبانی که در ذهن تماشاگر پدید می‌آید، جواب دهد؛ سؤالاتی از این قبیل که چرا نویسنده از بیان خود مسائل مهم و احساس روز، در مورد دریا و کلبه‌ها و برای طرح و معرفی آدم‌هایش برمی‌گزیند؟ ترس و می‌شود (دولت‌گشایی مجبور) که به تیب زنده‌اند. رئیس تیمارستان با بهره‌گیری از چهل و هفتاد نفر آدم‌ها، بر آنها فرمان می‌راند و از طریق درآمد حاصل از این تیمارستان، زندگی و امور خود را می‌گذراند، و به همین دلیل، ناگهان ساکنان عشق‌آباد برای او خود صنعتی است که تحت هر شرایطی باید حفظ شود. اما یکی از کارمندان تیمارستان، یعنی دکتر اسکوری، برخلاف این کاعده و جریان عمل می‌کند و با بهره‌گیری از تکنیک خاطره‌رمانی، قصد احیای هویت گم‌شده این آدم‌ها را دارد؛ کاری که رئیس تیمارستان با آن به شدت مخالفت است. چرا که در نهایت باعث از بین رفتن اقتدار او بر بیماران و انحلال تیمارستان می‌شود و همین امر در نهایت، او را به سر به نیست کردن دکتر اسکوری و امی داد.

اگرچه عشق‌آباد با بهره‌گیری از امکانات یک درام روانی، مضمونی سیاسی - اجتماعی را طرح می‌کند، اما در عمل و شیوه اجرا، نگاه به نمایش‌های شرقی دارد که در آنها بر عنصر طنز و مضحکه تکیه می‌شود. استفاده از فضای تیمارستان برای القای یک مفهوم سیاسی - اجتماعی، در حیطه تئاتر تاریخی ندارد و ما یکی از نمونه‌های تأثیرگذار آن را چند سال پیش در نمایش شش در زمستان، نوشته و کار رضا صابری، شاهد بودیم؛ نمایشی که با مضمونی مشابه و با بهره‌گیری از اصول تئاتر درامی، حرف خود را به راحتی به تماشاگر انتقال می‌داد

کاش به جای آن که زلفی و اشکوری درامه‌ای این آدم‌ها و احساساتشان آن چنان بر روی می‌کنند، در عمل، تحول و تغییر پهنش آنها را نسبت به زندگی شاهد بودیم، تا حرکت جهانی بخش پایان نمایش، تحسین و تحسیر جلوه می‌شود. بالاخره به جملگی از اشکوری برمی‌خوریم که می‌گوید: «تجسس خاطراتی که مال خودت نیست، بسیار مشکل است.» این کار، ظاهراً وظیفه هر هنرمندی است که خواهد رفت به جهت آگاهسازی و ارتباط مثبت با مخاطب حرکت کند. هنرمند، ناخودآگاه جمعی تماشاگر را تجسس عینی می‌بخشد. اما در این میان، یک سؤال در جای خود باقی می‌ماند: آیا برای تجسس خاطرات، شیوه‌ای به جز شیوه‌های مکرری که باعث بی‌پایایی آن خاطرات شده‌اند، در اختیار است؟ آیا صرف بازنمایی و نمایش یک خاطر، در کسب به اشرف و بصیرت نسبت به ریشه‌های معضل گذشته انجام می‌دهد؟

عشق‌آباد قصد طرح یک معضل همیشگی جامعه، یعنی ناگامی آدم‌ها و امکان سوء استفاده از آنها را داشته است. ولی برای بیان حرف خود به شکل‌دهی تئاتری توسل می‌جوید که پیش از این نیز در عرصه تئاتر قبل از انقلاب، تجربه شده است. اما گذشت زمان، نشان داده است که این شیوه‌ها، تنها تأثیری آتی بر تماشاگر دارند. این تأثیر از لذت دیداری و شنیداری که معمولاً جلایب لذت تئاتر است، ناشی می‌شود و مانند یک «دشمن» و نمایش زینا، تنها او را شاد و سرخوش می‌کند، به طوری که تماشاگر فکر می‌کند از کار تأثیر پذیرفته برای خود عیبی تر در او فراموش شده باشد. چرا که اکثر تماشاگران تنها با پوسته ظاهری نمایش و ساز و طرب و متل آن، ارتباط برقرار می‌کنند. شاید زمان آن رسیده باشد که با تأمل و بازنگری در فنون اجرای نمایش اصل شرقی، تلاشی در جهت تغییر زاویه به خطا رفته تماشاگر ایرانی نیز انجام دهیم؛ تماشاگری که هر نمایشی را تنها به صرف شاهد بودن، بهره‌گیری از ساز و آواز آشنا و ندانستن، دیدن بازیگران محبوب سیمبا و بالاخره به منظور فراموش کردن بدقیقه‌ها و تفکرات اصول انسانی، می‌خورد. برای رسیدن به تربیت تماشاگر، نخست باید گیشه را فراموش کنیم و شیوه‌هایی را برای درون‌نگری در مخاطب فراهم بیاوریم. اگر با این دیدگاه به خط عظیم تماشاگرمان عشق‌آباد که اکثریت قریب به اتفاق آنان را جوانان تشکیل می‌دهند، نگاه کنیم، گاهی این احساس به ما دست می‌دهد که تماشاگر آن نیز به منظور فراموش کردن مسائل اساسی زندگی به عشق‌آباد آمده‌اند و آنان نیز جزئی از همان ساکنان عشق‌آباد هستند که به یک‌گانه‌کننده لمسوز نیاز دارند. به راستی دکتر اسکوری این تماشاگران، در برهوسات تئاتر امروز کشور چیست؟

● نقینت آری، ترجمه سیدمهر موسوی‌نیا، روزنامه مهری، مقاله «مقتل به کار می‌آید»، نوشته، ۲۴ فروردین ۷۵.

نمایش عشق آباد در پسته ظاهری خود، نوعی درام روانی محسوب می‌شود که با بهره‌گیری از برخی فنون شناخته شده تئاتر دراماتی قصد آگاهسازی مخاطب را دارد.

اما این نمایش در زیر پوسته ظاهری خود، یک درام سیاسی - اجتماعی است که قصد مطرح کردن معنای آگاهانه را دارد و این جنبه‌های ناخودآگاه و دیکتوری در جامعه‌ای است که آدم‌های آن آگاهانه یا ناآگاهانه چشم بر واقعیت موجود بسته‌اند و در خود با خیرت زده‌اند.



بچه‌های سسکان
حسین قنقاری / چاپ اول: ۱۳۷۵ / ۳۳۰۰ کپی - مؤسسه انتشارات نسو / سیوه

این کتاب، داستان بلندی است که فضایی‌های ضدطوفانی روایت‌های نثری سرگرمی‌زیم شاهنشاهی ایران می‌دهد و به کوشش دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری منتشر شده است.

شرکت صنعتی آزادشهر
(متعلق به بنیاد مستضعفان و جانبازان)
AZAD SHAHR INDUSTRIAL CO. LTD

(با مسئولیت محدود)
صنایع شرکت دوکر ریس (سهامی خاص)



چهارمین جشنواره بین المللی ویدئو فیلم سوره

برنامه و اهداف جشنواره مسابقه چهارمین جشنواره بین المللی ویدئو فیلم سوره اعلام شد.

به گزارش روابط عمومی ویدئو سوره، جشنواره بین المللی فیلم سوره، در بخش مسابقه بین المللی ویدئو، با توجه به گستردگی و دامنه سینمایی مستند و نئو موضوعی و بیان آن در عرصه های مختلف علمی - آموزشی، اجتماعی و صنعتی و تاکید بر قابلیت های ویژه این سینما در حفظ و اشاعه مباحث فرهنگی، قومی، جنسی، مسابقه ویدئو و فیلم مستند برگزار می شود.

همین گزارش می افزاید: مسابقه فیلمهای تبلیغاتی، نیز یکی دیگر از بخشهای چهارمین جشنواره بین المللی ویدئو و فیلم سوره است که به منظور شناخت و ارزشگذاری فیلمهای تبلیغاتی برتر در رابطه با بیان تصویری، تخیل و استفاده بهینه از فن آوری (تکنسولژی) ویدئویی به عنوان شاخه ای در خور اعتنا و رسانه ویدئو، اختصاص داده شده است. گفتمنی است این جشنواره از تاریخ وازدهم لغایت شانزدهم اردیبهشت سال ۷۶ در مشهد برپا می شود و آخرین مهلت دریافت آثار توسط دفتر جشنواره حداکثر بیست و پنجم بهمن ماه اعلام شده است.

فیلم ساختن، فیلم دیدن، نقد نوشتن، جایزه دادن و... از این قبیل سرگرمی ها



در باره جشنواره پانزدهم

در آستانه برگزاری پانزدهمین جشنواره فیلم فجر قرار داریم. وجود تقویم «چین اقتضا می کند که اسامی این جشنواره، برای پانزدهمین بار برپا شود. علم برگزاری جشنواره، بلافاصله این سؤال را به ذهن همگان متبادر می کند که این فیلم ساله چیست؟! و دلیل طرح این سؤال، وجود یک عادت پانزده ساله است؛ خو گرفتن به شرکت همه ساله در جشنواره و فیلم ساختن و فیلم دیدن و نقد نوشتن و جایزه دادن و... از این قبیل سرگرمی ها.

اصلاً چرا باید در مقبولیت این عادت همگانی تردید روا داشت؟ آیا می توان در لزوم برگزاری یک جشنواره بزرگ سینمایی شک کرد؟ این که اساساً برگزاری جشنواره های سینمایی متعدد در اطراف و کانتاکت کشور، تا چه حد در تکامل سینمای ملی مؤثر واقع می شود، بحث فصل و مهمی است. سینما به این باب را به نوبت های علمی مکتوب می کنیم و به لحاظ فرم کلی و شکل برگزاری، جشنواره های اروپایی الگویی جشنواره فیلم فجر واقع شده اند. با این تفاوت که حتی معبرین جشنواره های اروپایی هم تأثیری تا بدین حد حساس در سیر یک ساله جشنواره نمی گذارند.

بررسی این نوع فیلمسازی، معتقد باشم جریان فیلمسازی جشنواره فجر از این حیث که بزرگترین گردهمایی سینمایی کشور، و اصلی ترین مجال عرضه حاصل کار عوامل سینمای ایران محسوب می شود، اهمیت فراوانی حاصل و اشتباهی است. بحث در این باب را به نوبت های علمی مکتوب می کنیم و به لحاظ فرم کلی و شکل برگزاری، جشنواره های اروپایی الگویی جشنواره فیلم فجر واقع شده اند. با این تفاوت که حتی معبرین جشنواره های اروپایی هم تأثیری تا بدین حد حساس در سیر یک ساله جشنواره نمی گذارند.

بررسی این نوع فیلمسازی، معتقد باشم جریان فیلمسازی جشنواره فجر از این حیث که بزرگترین گردهمایی سینمایی کشور، و اصلی ترین مجال عرضه حاصل کار عوامل سینمای ایران محسوب می شود، اهمیت فراوانی حاصل و اشتباهی است. بحث در این باب را به نوبت های علمی مکتوب می کنیم و به لحاظ فرم کلی و شکل برگزاری، جشنواره های اروپایی الگویی جشنواره فیلم فجر واقع شده اند. با این تفاوت که حتی معبرین جشنواره های اروپایی هم تأثیری تا بدین حد حساس در سیر یک ساله جشنواره نمی گذارند.

واژه های غیر متعارف و... باقی بماند!



بسیهها مستعدند در نسبت به حال و هوای دهه چهل و دهه هشتاد، با توجه به حضور نمایش نماز و تشخیص آثار ویدئویی و تلاش در جهت دستیابی به بیانی ویژه برای این رسانه پیرامین می شود.

همین گزارش می افزاید: مسابقه فیلمهای تبلیغاتی، نیز یکی دیگر از بخشهای چهارمین جشنواره بین المللی ویدئو و فیلم سوره است که به منظور شناخت و ارزشگذاری فیلمهای تبلیغاتی برتر در رابطه با بیان تصویری، تخیل و استفاده بهینه از فن آوری (تکنسولژی) ویدئویی به عنوان شاخه ای در خور اعتنا و رسانه ویدئو، اختصاص داده شده است. گفتمنی است این جشنواره از تاریخ وازدهم لغایت شانزدهم اردیبهشت سال ۷۶ در مشهد برپا می شود و آخرین مهلت دریافت آثار توسط دفتر جشنواره حداکثر بیست و پنجم بهمن ماه اعلام شده است.

بود که تصور ساده انگارانه سیاستگذاران باعث شد سینمای کشور به مدت ده سال، مسیری را پیماید که افتخارهای فیلمهای از قبیل نارین، هامون، نقش عشق، آن سوی آتش و زندگی دیگر میج باشد.

پس از برکناری مسئولین سینمای ایران، مدیران جدید در ابتدای انتصاب عنوان کردند که سینمای عرفانی به دلیل عدم جذب مخاطب کاربردی ندارد و باید به سوی «سینمای مخاطب» و مردم گام برداشت. گرچه برپیدای شدن بساط سینمای عرفانی اتفاق فرخنده ای بود، خودنمایی روی دیگر سکه و رواج دوباره فیلمسازی، همه آرزوها و تصورات آرتانخواهانه این چندساله را بر باد داد.

مدیران کنونی نیز نتیجه برگزاری جشنواره های سینمایی عده اول پرورزی مخاطبان یا سینمای وطنی، بازار فیلمسازی را رونق دوباره بخشیدند و مثلاً گفتند: «ما از جریان مبتذل هراسی نداریم، برای این که نگاه داین از جریان روزی به اسلام و ارزش های نام آن روی آورد...»!

توجه مستقیم این گونه نهاد، حمایت از مشهورترین فیلمسازی سازان دوره گذشته و طرفدار سینما از برجسته سینمای پس از انقلاب است. سینمای امروز ایران با محدود شدن در عرصه چنین تصوراتی که جمع بین اجداد سینمای گذشته و ارزشهای ناب اسلامی را منکن می تلقی، روز به روز به سوی نابودی کامل گام برمی دارد و در چنین شرایطی، عالی ترین نتیجه برگزاری جشنواره های سینمایی، وقایعی است که در سال گذشته شاهد بودیم: از راهپایگی یک فیلم به مراسم انکار گلویگری، به میل می آید و این مسامحت به عنوان عملی فهرمانانه و مایه ناپا، موهود تقبیر واقع می شود، سپس مراسم پایانی جشنواره سینمایی کشور فیلم آن هم در تقابلی مضحک و ناشایسته از همان مراسم تعریف شده آن هم در شرایطی که شکل کلی جشنواره مطابقت کامل با جشنواره های اروپایی دارد و نه مراسم آمریکایی اسکار!

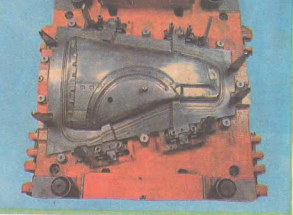
طبعی بود که سیاستگذاران سینمایی پس از انقلاب، با بررسی این نوع فیلمسازی، معتقد باشم جریان فیلمسازی جشنواره فجر از این حیث که بزرگترین گردهمایی سینمایی کشور، و اصلی ترین مجال عرضه حاصل کار عوامل سینمای ایران محسوب می شود، اهمیت فراوانی حاصل و اشتباهی است. بحث در این باب را به نوبت های علمی مکتوب می کنیم و به لحاظ فرم کلی و شکل برگزاری، جشنواره های اروپایی الگویی جشنواره فیلم فجر واقع شده اند. با این تفاوت که حتی معبرین جشنواره های اروپایی هم تأثیری تا بدین حد حساس در سیر یک ساله جشنواره نمی گذارند.

شرکت قالبهای بزرگ صنعتی ایران



تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

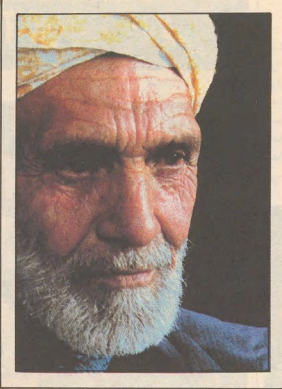
پیشرو در صنایع قالبسازی



دفتر مرکزی: تهران - خیابان شهید بهشتی، خیابان میرعماد، کوچه یازدهم، پلاک ۱۷

موسیقی مقامی خراسان

بررسی و شناخت موسیقی مقامی منطقه ای اصغر آزادی



موسیقی مناطق مختلف ایران به اعتقاد اکثر موسیقی شناسان پژوهشگران، از پیچیده ترین و متنوع ترین نوع موسیقی به شمار می آید که ریشه در تفکر و زندگی مردم دارد. از جمله این نوع موسیقی، می توان محلی مقامی خراسان را نام برد که دارای غنی ترین فرهنگ موسیقایی است؛ پایه ای گونه ای که لیونصر فارابی و سیدالدین ابراهیمی در تحقیقات نظری خود را بر تئوری خراسان استوار کرده اند. تئوری از کهن ترین مباحث ضروری نه تنها ایران، بلکه از آفریقا تا خاور دور به شمار می آید. تصویر نام این ساز بر برخی از مجسمه ها و در جراحیهای چند هزار ساله ایران و کتب به زبان پهلوی نگاشته شده است؛ مانند «درخت آسوریک»، «کارنامه ارغشیر پادشاه»، «خسرو قباداد و پند» و... در آثار حکما و شاعرانی چون ابوالقاسم فردوسی، نظامی و عارف بزرگ، مولوی و... همچنین در نگاره های باقی مانده از مکاتب نگارگری در دوره های مختلف تاریخی دیده شده است.

تئوری خراسانی که در منطقه به نام «ودتار» شهرت دارد، پیش از سایر سازها (سرتا، دهل، قشمه و...) مورد توجه واقع شده است. کاسه این ساز را معمولاً از چوب درخت توت و دسته آن از چوب درخت زردگاو یا عناب می سازند. در گذشته به جای دو سیم فلزی همچنی از دو رشته زر (روبه) یا تار (پربشم) استفاده می شده است و نوازندگان به کمک پنجه (پنج انگشت دست راست) می نواخته اند.

شیوه اجرا و سبک های رایج موسیقی خراسان، متنوع بوده، ولی به طور کلی دو حوزه شرق خراسان به مرکزیت تربت جام و حوزه شمال خراسان به مرکزیت قوچان، قابل تقسیم است و در هر دو حوزه، مقامها به دو گونه با کلام و بدون کلام، اجرا می گردد. مقامهای بدون کلام با اصطلاحاً، مقامهای سازی و مقامهای با کلام را مقامهای آوازی می گویند.

موسیقی معاصر افغانستان



موسیقی معاصر افغانستان، مسبقاً، حوزۀ هنری سازمان تبلیغات اسلامی / سال: ۱۳۷۵ / ۳۸ صفحه، قیمت: ۹۰۰۰ تومان.

هنر موسیقی در افغانستان، معاصر، بر دیگر هنرها غالب بوده و پیشترین اقبال مردمی را داشته است. هنرمندان این عرصه، آشناترین چهره ها برای مردم خوش بوده اند. سبکهای موسیقی محلی و هنرمندان مناطق مختلف این کشور نیز با تنوع و اصالت خاصی به داشته اند، برای اهل نظر چشم اندازهای زیبا و دست نخورده هستند. اما با همه شای تنسی این موسیقی، با کمک تألیف تقریباً هیچ کار پژوهشی ای برای شناخت این موسیقی و دایره دیدار آن از سوی محققان و موسیقیدانان افغانستان نشده، مگر کتاب فوق که محصول پژوهش بیست ساله نویسنده آن است. این شک این کتاب نخستین مجموعه فرآیند و شناخت موسیقی معاصر افغانستان است که بیشتر بر اساس اطلاعات شفاهی از افرادی کسب شده و با در گشته، با به علت درگیرهای اخیر افغانستان، جلای وطن کرده اند.

نویسنده در این کتاب، کوشیده است از مقام یک ناظر و بدون موضع گیری ارزشی، اخلاقی یا جدی صرفاً تلاش کرده است و مشاهدات عموماً را منکسر کند و صرفاً تلاش کرده است، تاریخی این شهر است و سابقه تاریخی برخی از مقامها نیز به همان دوره برمی گردد. دو تار که مهمترین و رایج ترین ساز منطقه است، دارای کاسه ای خزریه ای شکل بوده و در دو اندازه مختلف کاسه کوچک و کاسه بزرگ، هستند که بر دسته آن هشت پرده بسته شده و با انواع پنجه چون سه پنجه، پنج ساهه، پنج خرشکی و... انواع بیز (مالم، خرشکی و عادی) که هر کدام حالتی خاص دارد، اجرا می گردد.

از مهمترین مقامهای سازی این حوزه، می توان مقام الله (دارای متر مشخص) بوده که گاه در میان اجرای مقام از وزن اصلی خارج شده و تبدیل به ره (متر آزاد) می گردد؛ مانند مقام «اشتر خجوه».

مقامهای آوازی این حوزه به لحاظ وزن به طور کلی به دو گروه دارای متر آزاد (آره) و متر مشخص (دستان عروضی) تقسیم است. در دسته اول، می توان مقامهای جمشیدی، سرحدی، هزارگی و... و در دسته دوم، می توان مقامهای الله مدد، مراجع نامه، قصه حضرت مولی، می توان استاد نظر محمد لیلیانی و استاد عبدالله سرور احمدی و از خوانندگان، نور محمد پرویز و دراعلی اسرار احمدی را نام برد.

دوازدهمین جشنواره موسیقی فجر

موسیقی فجر در چهار بخش: موسیقی ملل مسلمان، مسابقه، جوان و جنی از ۲۱ تا ۳۰ بهمن ماه سال جاری در تالارها فرهنگسراها و مجامع هنری برگزار می شود.

در بخش ملل مسلمان دوازدهمین جشنواره موسیقی به احتفال زیاد گروههایی از کشورهای ترکیه، پاکستان، تونس، لبنان، آذربایجان، تاجیکستان و هندوستان به معرفی موسیقی اصیل کشور خود می پردازند. در بخش مسابقه نیز هنرمندان و گروههای شاخص کشور مقامی و ریاض دستگامی کشور با هم به رقابت پرداخته تا نهایت بهترین گروه نوازندگان، بهترین قطعه ساخته شده و تکنواز و برتری آنها را مشخص کند.

داران نیز برگزیده شوند. در بخش جوان نیز که در ده های مختلف سنی برگزار می شود، نوازندگان جوان در رشته های سازی مختلف و در دو گرایش موسیقی ایرانی و کلاسیک با هم به رقابت می پردازند. در بخش جنسی جشنواره، گروههای سنتی، گروههای محلی و گروه سوره های انقلابی و ارکستر سمفونیک تهران، اجراهایی را تقدیم علاقه مندان خواهند کرد. گفتمنی است که اسامی در بخش ویژه جشنواره از مقام و خدمات استاد حسن کسایی، نوازنده ن تخیلی خواهد شد و ایشان در تالار وحدت به مدت دو شب، به اجرای موسیقی خواهند پرداخت.

تنها سازنده کاربراتور اتومبیل در ایران

- محصولات تولیدی:
 - کاربراتور بیکان ۱۶۰۰
 - کاربراتور بیکان ۱۶۰۰
 - کاربراتور بیکان ۱۷۲۵
 - کاربراتور بیکان ۲۰۰۰
 - محصولات امی:
 - کاربراتور نو نو
 - کاربراتور سوسان ۳۰۰۰

کاربراتور ایران

«شرکت سهامی خاص»



تخلیه
محمدت خانلری میرزا عبدالله

محمدت خانلری
موسیقیدان نام‌آور بیست سال
آخر که به تشاب و در ایران و
آمریکا زندگی می‌کند، بیست
روز قبل، به محض اتمام مدت
آغازش در ایران، به آمریکا
بازگشت. او در این سفر،
کارهای مختلفی را پیگیری
کرد: از آن جمله، نظارت بر
روند شکل گیری مؤسسه
فرهنگی هنری آواشید، و
آرشیو آن، تدریس موسیقی و
اعتماد در به چاپ رساندن
هرچه زودتر «کتاب سنا» (ج
۲).

البته در مدت اقامت تخلیه در
ایران هیچ کنسرتی از او به اجرا
نیامد و آخرین خبر حاکی از
آن است که کنلین تدریس او
یعنی «مکتب خانه میرزا عبدالله»
تعطیل شد.

ذهنی پشرفته و علمی داشت و همین امر او را
به مرتبه‌ای والای هنری رساند.



ساز قهرمانی ضبط کرد.

از کوششهای پر انرژی که استاد پس از
فرآگیری این رویه و ردیف های دیگر کرد،
مقایسه و مقابله ردیف های روایت شده بود
که در کمال دقت و نکته سنجی به آنها تسلسل
مشاخن رموژ موسیقی واقعی و اصولی ایران
بروند ردیف گرانمایه میرزا عبدالله پار دیگر
زنده شد و با آنچه فرمت الدوله شیرازی در
کتاب بحور الانجان، از قول منتظم الحکا
آورد، منطبق گردید. چنین بررسی و دقتی
همانا از اندیشمندی چون برومند برمی آید که

به یاد نورعلی خان برومند

اشاره: بیست سال از درگذشت استاد
مسلم موسیقی ایرانی، نورعلی خان برومند
می‌گذرد. به تعبیر دکتر مهدی برکشلی،
برومند تنها یک موسیقیدان که کسی بود که
به موسیقی اصیل و سنتی ایران، کاملاً
محققانه و عمیق اعتقاد داشت. آنچه فیلاً از
نظر خوانندگان محترم می‌گذرد، قسمتی از
مقاله محمدرضا لطفی است که در زمان
مرگ وی نگاشته شده است.

نورعلی برومند در سال ۱۲۸۵ هجری
شمسی، در تهران متولد شد و از همان دوران
فولیت با نواختن تنبک، استعداد و قریحه
خود را در موسیقی ایرانی بروز داد. در سیزده
سالگی به پیشانی‌پد، نزد درویش خان رفت
و در مدت سه سال، ردیف موسیقی ایران را
از استاد فرا گرفت. سفر اروپا و سرگیری
تحصیل، پیوند او را با موسیقی ایران قطع
کرد و با آنکه همراه خود سه تار پیروز بوده،
هیچ گاه در این سفر شتی به ساز نبرد، اما با

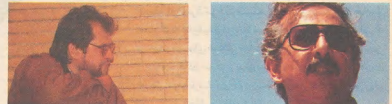
جدای از همه این قضایا

بحث موسیقی در صدا و سیما همواره از
بطنهای پرسوسدا و مورد توجه مسئولین و
علمای دینی بوده است. البته شاید امروز
بحث در مورد حلال بودن و حرام بودن
موسیقی هایی که از صدا و سیما پخش
می‌شود مثل سالهای قبل موضوعیت نداشته
باشد، اما به هر حال همین سیاست کلی در
مورد موسیقی تاحدود زیادی به این سازمان
گسترده و پرمخاطب برمی‌گردد.

خیلی از مردم پخش موسیقی از صدا و
سیما را مجوزی برای سالم بودن آن نوع
موسیقی می‌دانند و غالباً در این مورد به
مسئولین این سازمان که کسانی که سیاست
کلی موسیقی آن را پس می‌زنند اعتماد
می‌کنند. از طرف دیگر با توجه به حجم
وسعی از موسیقی که در شبکه های صدا و
سیما پخش می‌شود، این نهاد، تأثیر
چشمگیری در سلیقه مردم دارد. تعداد زیادی
از مردم که برای تفنن به موسیقی گوش
می‌دهند به دقایق و ظرایف یا اصالت و ...
توجهی ندارند و معمولاً به هر موسیقی که
متناسب سلیقه گوش یابند و برایشان گوشه‌نواز

آیا سینمای دینی همان سینمای اسلامی است؟

اشاره: از صاحب نظران و دست اندرکاران سینما پرسیده آیا سینمای دینی همان سینمای
اسلامی است یا نشانی بین این دو وجود دارد؟ پاسخها کوتاه این دوستان را می‌خوانید:



**هرچه که مورد قبول این سیستم باشد
دینی خواهد بود.**

نادر طالب زاده

والله من اینظوری نماندم. دین در دنیا اسلام
معتقد نبود سیمای دینی، سینمای
اسلامی، سینمای اعتقاد یا هرچه که اسمش
را بگذارند در خود آنهاست و جدا از
صاحب اثر نمی‌تواند باشد. و گرنه اثر
سینمای دینی عین سینمای اسلامی است. به
نظر من روشنگرانه‌ترین فیلمهای ساخته
شده در نظام اسلام هم همان سینمای دینی
است. فیلمها از فیلترهایی می‌گذرند که
سیمای نیروم و دین شریف گانی لاریجانی گفته
در یک کشور اسلامی که سیمای همه چیز
اسلامی است اصلاً نمی‌تواند که ما سینمای
ارزشمند را به بیندازیم، وقتی نوع نگاهها و
درستی است. متأسفانه همه چیز در سطح
است و فضا به گونه ای نیست که آدم صریح
صحبت کند.



سید الله داد

طبیعتاً وقتی در مورد دین صحبت
می‌کنیم، در مورد مجموعه ای صحبت
کرده ایم که عمده اش در اسلام وجود دارد.
مسلمانان اسلام جاسمتر و کاملتر از ادیان
دیگر است. دین ما جامع الاطراف است و در
همه زمینه ها نظر دارد. وقتی ما در مورد
سینمای دینی صحبت می‌کنیم، دیدگاهمان
طیماً اسلامی است. هر چند در برخی مثالها
به سینماگران ادیان دیگر هم نگاه می‌کنیم.

محمد رجعی

بله. در قاسوس فرهنگ دینی ما،
سینمای دینی و هنر دینی، اسلامی است.

مسمود ترقی جاهد

طبیعتاً وقتی ما در محدوده کشورمان از
سینمای دینی صحبت می‌کنیم، مقصودمان
سینمای اسلامی است. دین در کشورها
دیگر و مناطق دیگر هم وجود دارد و قطعاً
برای آنها سینمای دینی و سینمای اسلامی
یکسان نیست. البته سینمای دینی و سینمای
اسلامی در نقاط کلی باید مشترک باشند.
طبیعتاً مفاهیم کلی دین در همه ادیان یکی
است. سینمای دینی در اصول باید به این
نکات پیوندد. فیلم اسلامی می‌تواند مباحث
فرعانی را مطرح کند، مباحث فقهی را مطرح
کند، مباحث اخلاقی و کلامی را مطرح کند
گرچه هیچ یک با هم تعارضی ندارند و
فیلمساز اگر آنها را مفاهیم دینی باشد فیلمش
هم جذاب است و هم محتضای دینی دارد.
قیلم وقتی سینمای دینی را تأسیس کنیم.

جلالی

من فکر می‌کنم سینمای اسلامی یک
برداشت خاص است از سینمای دینی. یعنی
سینمای اسلامی به معنای اسلامی که بر قرآن
به ابراهیم (ع) هم نسبت داده می‌شود یعنی
تسلیم در مقابل حقیقت، بله، اما سینمای

به نقل از يك منبع آگاه

فادنه محمدرضا، یکی از
هنرپیشگان زن برجسته سینمای ایران
تکوری و سیاسی سینماشناس
بگانه پرست را نابینه است. وی
فرزانش را در مدرسه جمهوری
است و هنگامی که فیلم رؤسری آی
برای سخرانی و مصاحبه و شرکت
در یک سزگرد عودت کرده بودند،
حضور نیافته و گفته است که من یک
اصول هشتم و اشنیاه برای سختی
سوزشام و اشنیاه برای سختی
تاگزیر و مباحث شده ام اما در
حضور مشارکت در هیچ برنامه
نیست. ... را ندارم. در حاشیه این
خبر باید گفت، فلقان سعه صخر و
فوشاید و نظرات در برخورد
عادلان با تخلفات صفتی هنرمندان
موجب شده است که هر کس از
سوی کلیه را از زیر پای مختلف
بکشد به طوری که هرگز
بخت برنگهد هم چاره ای جز گزیر
موقت از کلیه نداشته باشد. و نکته
دیگر اینکه قهرهای دوران کودکی،
گویی از میان برخی از هنرمندان
رخت بسته که گاه شاهد چنین
حز کتهای هستیم.

بایستوانه هنر ایرانی

ساز روز پیروزی انقلاب اسلامی مبارک باد.



مناخه های ایرانی

دفتر تهران: خیابان پاسداران، بوستان دهم شماره ۲، صندوق پستی: ۲۱۶۶/۱۵۸۱۵
تلفن: ۰۲۱۳۶۷۵۰-۰۲۱۳۶۵۸۲۸-۰۲۱۳۶۵۶۵۰-۰۲۱۳۶۵۶۵۰ فاکس: ۲۵۶۳۵۲۲ تلکس: ۲۱۳۳۷۷
دفتر اصفهان: خیابان شهید ابوالفضل قدوسی، پلاک ۲۱۷، کدپستی: ۸۱۶۵۶، صندوق پستی: ۳۳۳/۸۱۶۵۵
تلفن: ۰۲۱۳۶۷۹۸۱-۰۲۱۳۶۷۹۸۱-۰۲۱۳۶۷۹۸۱-۰۲۱۳۶۷۹۸۱ فاکس: ۰۲۱۳۶۷۹۸۱-۰۲۱۳۶۷۹۸۱
کارخانه: یک کیلومتر ۱۸ جاده اصفهان، نجف آباد، صندوق پستی: ۳۳۳۶
تلفن: ۰۲۱۳۶۷۹۸۱-۰۲۱۳۶۷۹۸۱-۰۲۱۳۶۷۹۸۱-۰۲۱۳۶۷۹۸۱ فاکس: ۲۱۳۶۷۹۸۱-۰۲۱۳۶۷۹۸۱

تولیدکننده:

- انواع قطعات برقی خودرو،
- پلاستین،
- پولی دینام،
- ترموستات،
- چراغ،
- ماشینهای برچ و
- پرس نوما تیک
- رومیزی



پلاستین ایران (پلهای خانی)
Platin Iran Co.

دفتر مرکزی: تهران - خیابان میروزی شیرازی، خیابان هدهده، پلاک ۲، کدپستی: ۱۵۸۶۶
تلفن: ۸۴۴۳۰۰



سینمای روز جهان

فیلمنامه نویسی: پاتریک وودکن / مدیر فیلمبرداری: رامیر مجیکو / تدوین: استیوین روزنسیلوم / موسیقی: جیمز هورنر / بازیگران: دنزل واشینگتن (نت) مک رایان (والدن) رایموندفیلیس (مانفیز) مایکل موریارتی (هرشریگ) / قیمت: ۱۱۶ / ۱۹۹۶ دقیقه



● شجاعت والدن
قار گرفته آت که
فرار گرفته آت که
پرتاننده آن
صمیمات سرلیگ
مینوی تنگ
حقیقت است؛ او به
ای موضوع آت که
داره که ما مینوی
تجگی آمریکا مستند
بی تکلفی و دروغ
است

در ادامه صحبت‌ها، مشخص می‌شود که مانفیزین در شب او در چین جنگ و برابری لاف‌رمانی کرده و وقتی که والدن تشنگش را خواسته، به سبوش شلیک و زخمی‌اش کرده است. والدن در خلال مصیبات نجات، با دادن پویش آتش به هلی کوپترهای آمریکایی، باعث نجات گروه شده است، اما خود توسط پیغمب‌ها کاپوش‌ها، خلیان هلی کوپتر بوده که در زمان جنگ کشته شده‌اند. خود را به ژنرال هرشریگ تحویل می‌دهد و خود او نیز از واقعه دست‌نشدن دوستش تیرشده می‌شود. سرلیگ همه آنچه که اتفاق افتاده بود را برای خانواده دوستش تعریف می‌کند. در یکی از برنامه‌های کاخ سفید، دختر والدن مدال افتخار برای نجات‌شان تقدیم می‌کند. اما هلی کوپتر او پس از نابود کردن یک تانک عراقی در کوچه برخورد کرده و خدمه‌اش در دره‌ای بناشکوه به محاصره عراقی‌ها درمی‌آیند. بعد از یک دفاع کوشانه، خدمه والدن توسط آمریکایی‌ها نجات پیدا می‌کنند.

بر اساس صحبت‌های ایلیاری معلوم می‌شود که والدن پس از انجام یک عملیات فرماندهان کشته شده است. اما یکی دیگر از خدمه، ما نقریز می‌گوید که والدن هیچ نیلی به صلح نداشته و خواهان سلبی بوده است. در تلاش برای یک گفت‌وگو، سرلیگ با اتومبیلش به طرف راه می‌رود. اما در آنجا متوجه می‌شود که مانفیز قصد خودکشی دارد.

با وجود سایه‌های جنگی بسیاری که آمریکا به کار می‌گیرد، اما استپوروا میبازره از لامسو تا خلیج، به طور مشخص روی جنگ‌های نابرابر متمرکز شده که اغلب نیز شکست خورده به نظر می‌آیند. شجاعت زیر آتش علیرغم موضوع تازه و پیکرش، باز هم از غیرشخصی، به یک موضوع آراسته از ستارگی شخصی منتهی می‌شود. وظایفی دارد که باید انجام دهد، و او ولید در لحظاتی هم خوب به نظر می‌آید. در شب محاصره‌ای می‌پردازد.

سینمای روز جهان

جک به کارگردانی فرانسیس فورد کاپولا



● هالیوود همواره
دهانی باز برای
ایدهای بکر درباره
کودکان بوده است

کارگردان: فرانسیس فورد کاپولا / فیلمنامه نویسی: جیمز دی موناکو / مدیر فیلمبرداری: جان تالار / تدوین: بیاری مالکین / موسیقی: مایکل کامن / بازیگران: رابین ویلیامز (جک)، دیان لین (کارن)، بیل گازی (وودراف)، پرایان گروین (پرایان) / محصول آمریکا - ۱۹۹۶ / ۱۱۳ دقیقه

در یک میهمانی بالماسکه، کارن پاول که دو ساله است، درمی‌یابد که او را به طرف بیمارستان می‌برند او نوزادی انداز طبیعی به دنیا می‌آورد، اما به او و همسرش گفته می‌شود که نوزاد آنها عارضه‌ای را دارد که چهار برابر حد معمول، رشد می‌کند. به سال بعد، در حالی که مدرسه نورد، جک از این نتایجی عذاب می‌کند اما اینکه یک روز به همان کافه‌ای می‌رود که قبلاً دولورس را دیده بود. اما در کافه با یک مشتری عصبی درگیر می‌شود و به زندان می‌افتد. دولورس فرار را با قید ضمانت آزاد می‌کند و او را به خانه می‌برد. جک علیرغم اصرار دوستانش از اقبال نکان نمی‌خورد و می‌سلی به بیرون آمدن از خانه نشارد. سرانجام وودراف او را متقاعد می‌کند که به مدرسه مار کویتز، چینه‌های مدرسه او را مستخرج می‌کند و جک احساس غریب می‌کند. با دلخوری به خانه می‌آید، اما مادرش او را می‌خواهد که روز بعد هم به مدرسه برود. گروهی از همکلاسی‌هایش (لوئیس، اودارد، جویو) از او می‌خواهند با آنها بسکتبال بازی کند تا آنها با استفاده از قبضند، جک، قادر باشند حرف قدر خود را شکست دهند.

لوئیس متوجه می‌شود که غیر طبیعی بودن جک می‌توان به شکلی متوجه استفاده کرد؛ او از طریق جک مجلات مستخرج را خریداری می‌کند و همچنین هنگام بازی با مدرش از او استفاده می‌کند. اما سرانجام مدرسه جک را به عنوان مدیر مدرسه جک می‌زند. به اصرار لوئیس، جک وارد گروهی می‌شود که بالای درخت خانه دارند. وودراف هم دعوت می‌شود. اما خاندان آنها به

Nezam

A Leading Brand in Computer Firm in Iran

The technical supporting for CALCOM Pcs, LINK terminals and KUTRA digitalizer



پیشرو و صنعت کامپیوتر در ایران

مرکز پشتیبانی فنی کامپیوترهای CALCOM.

تیم‌های لینک و دیجیتالیزرهای KURTA در ایران

گنجینه آسمانی



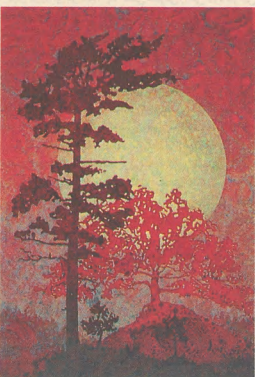
ای رملها، بر سر و روی و سوی ما بنشینید و آن روز که زمین فرخورد هادی خویش را بیرون می‌یزد و صحرائی قیامت حقایق پنهان خواهد شد. بر ما آنچه می‌کنیم شهادت دهد. ای بیابان، چه سعادتمندان آسمانی که خداوند رمل تو را طیبت آفرینش آنان قرار دهد چرا که باعقل حسین زاده خواهند شد و نفسشان عطر نام روح الله خواهد گرفت.

دری به خانه خورشید

امیر رازی

قسمت دوم

ما سه تن بودیم... در روزی می گذشت و هنوز شیخ ما را نیافته بود. آن آرتجان به دیدار شیخ بود که عسکری گرسنگی نمی شناخت. حکیم با بلوطهای نارس از پای انداخته بود و من متوجه می‌شدم تاب بیایم. حکیم گفت: امرا و پادشاهان کور و زور را به پیش می‌برند. شاید در جاهایی که درست میشه به همینجاست و شما گمان می‌کنید سبقت اول آن گرفته‌اید. شیخ در انتظاران باشد. کاش برای هنرمندی شما مسخران جوانی خود را آورده بودم. تو آسر، که سالها با پناهیا و دریاها و خوشنماها را در نوشته‌ای نیک می‌دانی که گرسنگی و عسکری که حتی بلوطهای نارس سالک را از سلوک باز نمی‌دارند. آنگاه که شوق از میان رفته باشد، پیروی و عسکری ننگر می‌اندازند و کشتی‌ن را به کنار آسودگی می‌نشانند. کشتی من، ای مسخران عزیز به گل نشسته است. همینجا کنار این درخت پیر که خانه مورانه‌ها و سنجابهاس است، می‌نشینم، شاید شیخ از سر لطف مرا بیاید. پیرومی فزون در کنار پیرترین افراد جنگ دلنگت دیدار شیخ شد. درخت دلنگت می‌شما دو تن مشتاقان! آن گفت: ای حکیم! ما سه تن نه مسافریم که از کاروان بازمانیم و نه در این کوره راهما کسی را انتظار نشانده‌ام. ما هر سه منتظر شیخ می‌ایم تاکن این پیرترین افراد جنگ!



حکیم چون پلدرانی که به نیکویی فرزانان خود دلنشاط می‌شوند، گفت: امرا! تو در سفرهای پر رمز و رازت که هیچ از آنها نمی‌گویی، رسم مردمگی را خوب آموخته‌ای. اما بدان که شیخ، ما سه تن از کار این پیرترین افراد جنگ نخواهد یافت. شاید در این جنگل بی فتهای پیرتر از این درخت نپز باشد، اما اینجا که ما بنشسته‌ایم، این درخت افرازان است. مادام که ما سه تن در زیر کمان نشسته باشیم شیخ ما را نخواهد یافت. ما سه تن شاید آنگاه به دیدار شیخ نائل شویم که جنگل دریا و کوه از آسمان و نشان از بی نشان آشتیم. مگر اینکه شیخ بر سر لطف و مهربانی که ابدیه هست. در پس این کوره راهما کسی هست که از سر لطف به انتظار با نرفته است و ما مشتاق اویم و او مشتاق دیدار ما.

دیگر در آستانه شب بودیم. تیره‌ای از پشت درواسته به همسان افرازی پیر که اینک تنها نشان ما گمشدگان بود، تکیه



تدوین فرهنگ

در مراسم پرده برداری از نمثال شهید دکتر حسن عسکری که روی ساختمان شماره یک وزارت فرهنگ و آموزش عالی نقل شده است، حجة الاسلام تقی‌محمد سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی گفت: «به منظور تدوین فرهنگ شهادت و نگه‌داری آن در کتابهای درسی دانشگاهی ما توافق وزارت فرهنگ و آموزش عالی و بنیاد شهید انقلاب اسلامی کمیته مشترک تشکیل می‌شود.» در حاشیه این خبر باید عرض کنیم: «تکریم و تعظیم شهیدان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس کار بسیار ارزشمند و والا است. بزرگی و قنات شهیدان را شناسان می‌تواند که برای ماندگار شدن یاد و خاطره و راه آنها کارهای اولی و اقدامات اساسی انجام دهد. به همین جهت به دست اندرکاران این اقدام شایسته یادآوری می‌شویم اگر این مهم صرفاً به عنوان دستورالعملی در کتب درسی لحاظ شود موجبات بی توجهی دانش آموزان دانشجویان را نسبت به مقام شامخ شهیدان انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد. کتابهای درسی بی‌تکلف و جایگاهی قانونی و جبری در میان دانشجویان دارند و نشان فرهنگ شیدا در آنها ممکن است عکس آن چیزی را که مسئولان در آن هستند نتیجه بدهد. تجربه‌ی دروس معارف اسلامی به ما بی فایده که برای ایت هر طرز تفکر و اندیشه‌ی نئی توان از راههای سهل الوصول و سسطی و معمولی بهره جست. چنانچه در فرامیاشات رهبر فرزانه انقلاب نیز آمده است: «میچ اندیشه‌ای در تاریخ ثبت نخواهد شد مگر آنکه با هنر آبیخته گردد.»

ادامه دارد...

طلوع یکباره هزار خورشید



گرید، گرید، گرید، تپش آن اشتیاق بی انتهایی است که روح را به دوازده جادو انگیزی و لغز، خادو اند بیوند می دهد و آتش آب رجمتی است که همه تپشها را از سینه می شوید.

گرید، گرید، سگاسی پیش به شروع حمله نمائنده است و اینجا آینه تپش همه راغ است.

- چه می جویی؟
- عشق.
- همینجامت.
- چه می جویی؟
- انسان.

اینجا خنجر است، بدر و چین و غشورا اینجا است.

بیکر های مظهر و نوری هزار تن از شهیدان و الا مقام هشت سال دفاع مقدس بعد از اقامه نماز جمعه تهران ، در سالروز شهادت امام العارفین علی ابن ابی طالب (ع) بر دوش امت شهید پرور و قلندر شناس تشییع شد . پرواز ملکوتی شهیدان کربلایی بر رهبر فرزانه انقلاب و امت ایشان گر ایران تسلیت باد .



«تو شهی و ماهیگی گدا» کیویرت عباسی - قنصری

همه تشنه گرم توایم، بخدا قسم علی ای علی چو کیویری که شوم موشم، به در حرم علی ای علی به کیویران در حرم تو هیچکس نکند گرم به گرم کف تویم استم به بخدا قسم علی ای علی ز دل زمین و زمان اگر بجز از قلم نمدد دگر نسی از بیم گرمت مگر بخوردو رقم علی ای علی توشهی و ماهیگی گدا همگی گدای جوی و لا تو اگر گرم نکشی به ما که کند گرم علی ای علی تو ولی ملک و لایلی. تو بدایلی، تو نهایی بخدا دگر چو تو آتیز شوم علی ای علی بود از قصور سجود ما نشود قیامت اگر به با سر ما و خاک در شا چو رسد به هم علی ای علی به گدای مستحق ولا چه کسی چو کند اعتنا؟! و چه از ولای تو چون گدا تو نیمم علم ای علی بجزم گرم ز دم دزد که نیم اجاره قلم زند همزین اگر گرم زنده قلمش علی ای علی من قنصری اهل ریاضت که تو پوشش از تو به مصاصم به ماصی دل غاصب تو یکس قلم علی ای علی

در خاطرم تصور تنها شدن نبود هر چند در سرشست زمین ما شدن نبود یک تک به سوی مردم دنیا به همدلی رفتم ولی شرایط یکتا نبود در خاطرم تصور این روزهای تند این در تشییح حالته نشان دادن و خاموش شدن نبود غیر از سوسوم هیچ کس اشک ما نکرد خلاقا کله کله فوق شکوفا شدن نبود مانند روز سر به پیاپی نهمی در من اگر زمینه دریا تنگ نبود وقتی رسید دست محبت که از زمان سهراب درد را رقم با شدن نبود

چراغ قرمز بود. در کنار راه جدا ایستادم. گرما بود و نفس پر و سوزان. کنار چهارراه، یک دکه بود و جلوی دکه، ظرف بزرگی از قلمه های ریز و درشت یخ و در لایه لای آن، شیشه های نوشابه. نسیمی آرام و گرم، بر گه های نارون کنار دکه را تراز کشید. صدای سوت آمد. چراغ سبز شد. توپبیل ها حرکت کردند.

با دستمال، عرق گرمم را پاک کردم. درون دکه را کاویدم. مری که یقه تشییع میان پراهش را گرفته بود جلوی پنکه، خود را از آینه ای نگاه کرد.

صدایم: «بروا!»
 به طرف نگاه کرد. گفت: «چیعه عمو؟»
 عجلت نکشیدم. گفتیم: «بیکری از اون نوشابه هائو بی زحمت.»
 گفت: «کار دیگه ای نداری؟»
 نگاهم کرده طلیکاره، با خنده ای از سر تمسخر و بی نظافتی، رفت سراغ کارش.

زبانم خشک کرد. سرم را دوری فرمان توپبیل گلاشتم. بی خبر از مفت آسمان زمین و سگین و زحمت دویدم طرف خاکریز خودمان. صدای سوت آمد. سرم را در دستان پر مهرش ترازش کرد. من اما گرم بودم مثل دوران کودکی ام. فاسم خندیدم.

صدای سوت آمد. برق گوشه رخسار یک کامیون در حال عبور، تکامل داد. پلدار شدم. از تشنگی خبری نبود. گویم صد سال جوان شده بودم. بر شراط و آماده برای امداد خیات. سگین و زحمت دویدم طرف خاکریز خودمان. صدای سوت آمد. سرم را در دستان پر مهرش ترازش کرد. من اما چیزی بچه ها بمیله بر ایم گفتند خمپاره بود. من اما چیزی

در راه



چهارشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۷۵

فرز اسناد: بسیاری از مشکلات که در حال حاضر در فیلمها مشاهده می شود، به لحاظ مسیرهای اسلامی در بخش چهره و بازی و صحنه آرایسم و با تئوریت صحنه آرایسم و صحنه پردازی منجر به، این سنگی بزرگ و سیاه، دریا کوه به موج کوفت و موجها آمدند به طرف ساحل. پهلوی به پهلوی می کشند؟ کف آلود و خورشید، آب شور و تشنگی.

صدای سوت آمد. در مطبوع خون های من سحر، کنار چشمه ای نرسد. چنانچه شیشه بود به دهان سوسو؛ دهانه صناعی دلخشین، ریخت روی سنگها که در قطر آب، می شکستند. کسی جلوتر، حوضچه بود و ماهیها. امام را دیدم. خندیدم؛ سرم را با دستان پر مهرش ترازش کرد. من اما گرم بودم مثل دوران کودکی ام. فاسم خندیدم.

صدای سوت آمد. برق گوشه رخسار یک کامیون در حال عبور، تکامل داد. پلدار شدم. از تشنگی خبری نبود. گویم صد سال جوان شده بودم. بر شراط و آماده برای امداد خیات. سگین و زحمت دویدم طرف خاکریز خودمان. صدای سوت آمد. سرم را در دستان پر مهرش ترازش کرد. من اما چیزی بچه ها بمیله بر ایم گفتند خمپاره بود. من اما چیزی



مشکل زبان و معضل فرهنگستان

دیگر در صدا و سیما و اکثر روزنامه ها از واژه کامپیوتر استفاده نمی کنند و به جای آن واژه «تاساتوس» «رایانه» را به کار می برند. معادلهای مثل «خریال» برای «هلی کوپتر»، «قشاره» برای «اسپری»، «سراج» برای «دستمال» و ... متأسفانه علاوه بر تاساتوس بودن تا حدودی یادآور تلاشهای فرهنگستان برای عریض زدای در زمان رضاحان و با فارسی سازی در زمان محمدرضا فرهنگستان سرافکند بود که تلاش نظیر «گردگی» به جای «قایم»، «سجکی» به جای «خط»، «پرس» برای «تهنات» یا «چین دکوری» تا گوید «چیکامش» چه چیزی در وجهیات موج می زند؟ ما ساهه انبشان و لایتش واقعاً چشمهای امیر چه می گویند؟ نگاه کنید

چیزی شبیه بهما نظر است بدوم تنها استاده دوباره سمت راست عکس را نگاه کنید



مشکلاتی جدی است که متأسفانه سیاستهای مستخذه از سوی فرهنگستان با تولید برنامه های از قبیل «فارسی را پاس بدانیم» که تنها چاره ای بر این مشکلات نیستند، بلکه خود مشکلات دیگری را موجب می شوند. بر داشت چند واژه فرنگی و بخشنامه کردن واژه های ابداع شده به جای آنها که عموماً شقیل و ناراست هستند، تقریباً معضلی هستند که از سالها پیش همراهِ «فرگرایشی» بان ایرانیستی گریبان زانن فارسی را تمام نکرده است. هر روز در اخبار می آید که معادل واژه فرنگی فلان، واژه فارسی بهمان پیشنهاد شده است. این پیشنهادها البته سرعت برق تشییع به بخشنامه شده و من نیز گنجهارم و تنها گنه که با یقه همدل و همدوش شدن ش، مثلاً

در رابطه با ...

چوادم شقمری: اسمال به خاطر سنگین بودن این پورژه (توفان شش) و مراحل فنی و موزتل آن فکر نمی کنم کار دیگری انجام دهم.

توضیح: یا توجه به این که در طول ده سال اخیر، آگهی شقمری سالی دو قلم، بلکه سه قلم و چهار یا پنج قلم ساخته، این اتفاق واقعاً غیر منتظره است!

وزیر اسناد: بسیاری از مشکلات که در حال حاضر در فیلمها مشاهده می شود، به لحاظ مسیرهای اسلامی در بخش چهره و بازی و صحنه آرایسم و با تئوریت صحنه آرایسم و صحنه پردازی منجر به، این سنگی بزرگ و سیاه، دریا کوه به موج کوفت و موجها آمدند به طرف ساحل. پهلوی به پهلوی می کشند؟ کف آلود و خورشید، آب شور و تشنگی.

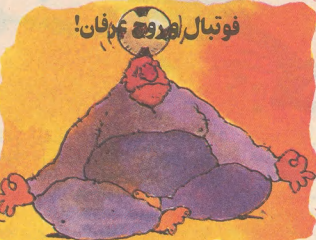
صدای سوت آمد. در مطبوع خون های من سحر، کنار چشمه ای نرسد. چنانچه شیشه بود به دهان سوسو؛ دهانه صناعی دلخشین، ریخت روی سنگها که در قطر آب، می شکستند. کسی جلوتر، حوضچه بود و ماهیها. امام را دیدم. خندیدم؛ سرم را با دستان پر مهرش ترازش کرد. من اما گرم بودم مثل دوران کودکی ام. فاسم خندیدم.

صدای سوت آمد. برق گوشه رخسار یک کامیون در حال عبور، تکامل داد. پلدار شدم. از تشنگی خبری نبود. گویم صد سال جوان شده بودم. بر شراط و آماده برای امداد خیات. سگین و زحمت دویدم طرف خاکریز خودمان. صدای سوت آمد. سرم را در دستان پر مهرش ترازش کرد. من اما چیزی بچه ها بمیله بر ایم گفتند خمپاره بود. من اما چیزی

باز هم از فوائد ورزش

ایستادن بر سکوی قهرمانی بویژه در صحنه های بین المللی یکی از طرق تقویت هردو ملی و افتخارات کسب شده در سطح جهانی، احاد ملت را میسر می کند. ورزش و تندرستی با آرزوی راه یافتن به نیمی ملی با جدیت و علاقه مندی به ورزش پرداخته اند.

درواح: ورزش یکس از مفیدترین و سالمترین راه پر کردن اوقات فراغت به شمار می رود و مختلف ورزشی هر چه بیشتر شکوفا می سازد. چه بسیار افرادی بسیاری برخوردار است. مقایسه می تواند از همه این مهم برآید. بازیگر سالک اشتر از سریال امام علی (ع) نیز در این مراسم شرکت کرد و درباره ارتباط فوتبال و عرفان سخنان مسیوطی ایراد کرد. از جمله این که: «من فوتبال را بسیار عارفانه یافته که به طرف وحدت می رود و این را توالیستت های ما خیلی خوب ثابت کردند. در همین مسابقات یازده سالک که می دیدند، «بازاده قلب که می بینند یازده بارغ که با هم روشن شدند. این اوج وحدت است ... به حال در فوتبال روح و ایسان و جان از هر چیزی رایج است ...»



فوتبال هر دوچ جوان! از مقاله مهمی مثل فوتبال حمایت و کیوم در پیوند آن با همه چیزهای مهم ترند تلاش کنیم. این تلاش البته یک تلاش گسترده است و به صفت و گروه خاصی محدود نمی شود. همه کسانی که به نوعی می توانند تماشاچی فوتبال باشند می توانند و باید می کنند. بویوند در ارتقاء سطح کیفی و کسبی این ورزش بکوشند. شعرا باید شعر بنویسند، هنرمندان سخنرانی کنند و مستولین سکه بدهند و مردم تشویق کنند و ... وظیفه صدا و سیما در این میان صداقت به همه مهم تر است و مراسم که توسط شاعران سوم برگزار شد الهامی که نشان داد این نهاد فرهنگی به بهترین نحو

با مردم قدرشناسی هستیم و نمی گذاریم که تیم ملی کشورمان به خاطر اول یا دوم نشدن ناراحت شده یا دچار بی مهری شوند. ما در هر شرایطی از آنها حمایت می کنیم و برایشان سگه و ماشین و قس علی خدا می خریم و هدیه می کنیم. درادانی ما به همین جا ختم نمی شود و اصلاً جلای از بازیکنان ما وظیفه خود می دانیم که

خوشبختانه ما مردم کجکوی نیستیم!

نوجوان نهرانی مرتیک لیبج ترین جنایتشاهی عالم شده اند و ما می شویم و می خوایم که ویدون و ماسوازه فیلمشاه مستدل انگیزه های این جنایت هستند. نسیم دلم، شایسته خیسلی از بالاشهری همه که ماهواره دارند و فرزندانشان با برخی می توانند به مصفحه حوادث روزنامه ها دسترسی پیدا کنند از نشینان این اطلاعات اخبار نگران شوند و ماهواره ویدون و ... را برای چند روزی تعطیل کنند. اما چیزی زود بساط همه چیز دوباره مهیا پوششهای خبری و شبکه های اطلاع رسانی، کسی نیست که خوشبختانه ما آنها بدهد. خوشبختانه ما مردم کجکوی نیستیم و خیلی می دانند که ضد اخلاقی با ارتکاب پاسخهای سردستی مسئولین و چند تفاوت است و اساسی تر به مسایل اجتماعی، خانوادگی و نژادی نیازمند به دیگرانی، (از آنچه غالباً به گفته آنها است) می گویند که هر عیب دیگران است و از سطحی نگری و ساده انگاری پرهیز کنیم.

یک فرد ورزشکار با کسی که دستی در این کار ندارد، بخوبی با یکدیگر تأثیرات روحی - روانی ورزش است. اما آنچه در ورزش پیش از اینها اهمیت دارد ایجاد روحیه پهلوانی و ترویج آیین جوانمردی است. در کلام دلنشین امام (ره) نیز آمده بود که ورزشکاران ما علی (ع) اقتدا کنند وقتی مقتدا ما در ورزش امام العارفین علی ابن ابی طالب (ع) باشد هدف ما از ورزش، چیزی فراتر از خود ورزش خواهد بود.

بازیکر سالک اشتر از سریال امام علی (ع) نیز در این مراسم شرکت کرد و درباره ارتباط فوتبال و عرفان سخنان مسیوطی ایراد کرد. از جمله این که: «من فوتبال را بسیار عارفانه یافته که به طرف وحدت می رود و این را توالیستت های ما خیلی خوب ثابت کردند. در همین مسابقات یازده سالک که می دیدند، «بازاده قلب که می بینند یازده بارغ که با هم روشن شدند. این اوج وحدت است ... به حال در فوتبال روح و ایسان و جان از هر چیزی رایج است ...»

دیگر سخنرانی امام باشکو عارفانه بیانیه موم آفران سانی، مایلی کوهک و دکتر بیورجانی بوده اند.

به امید آنکه فوتبال کشور ما از رشد و گسترش سریع و فرور آفرینی برخوردار شود. آری آری هر که با حق شد قرین با عطای حق بود او برترین!



کفت که دیگران گویند را به دفاع از ماهواره و ابتدال و قتل متهم نکند. اما واقعا گفتمی خواهم اخیری شبیه به چنین ماجرای را بشنوم باید راه دیگری در پیش گیریم و عمل و انگیزه های جنایت را صرفاً در امور فطری و سطحی جستجو کنیم. چه بسا این رخداد دلخراش، خود همداری و خوارچاری را میسر می کند و اساسی تر به مسایل اجتماعی، خانوادگی و نژادی نیازمند به دیگرانی، (از آنچه غالباً به گفته آنها است) می گویند که هر عیب دیگران است و از سطحی نگری و ساده انگاری پرهیز کنیم.

فرض کنید شما کارگردان باشید
آشاره‌ای به آخرین قسمت سریال امام علی (ع)

نویس های بنگاه رحیم عطایی و تسلطت طلب های ورشکسته سیاسی به تقصیر.



فرض کنید شما فیلمنامه نویس هستید و گوش شیطان کر، چشمش کور، خیبط فرموده فیلمنامه ای دربارهٔ امورات تربیتی نوشته و داده اید به وزارت فقیهه ارشاد یا سیماي محترم جمهوری اسلامی و بعد از یک سال لاقی و گز کردن راه با بالاخره، یک دانشمند محترم جلیل القدر و انسان فقهی پیدا شده و به عنوان نماینده محترم یکی از این سازمانهای محترم بعد از چند جلسه به شما فرموده که همه چیز فیلمنامه تان درست است! آیا اینکه با شئونات اسلامی سازگار نیست. شما هم چون هزمنده هستید و فطرتاً نمی تانید که شئونات اسلامی چیست و حاج و واج خیره می شوید به آن مسئول محترم و همینطور الکی سرتکان می دهید. تازه این حرف و حدیث دربارهٔ یک فیلمنامه ساده و معمولی است، چه رسد به اینکه کسی دربارهٔ صدر اسلام بخواهد فیلمنامه ای مانند امام علی (ع) را تصویب کند. بعد از ماهها و شاید سالها رفتن و آمدن و بحث و بررسی بالاخره به فیلمنامه نویسی می گویند: «تصویب شد، پرو فیلم را بساز!»

فرض کنید شما کارگردان باشید و فیلمنامه تصویب شده داشته باشید دربارهٔ تاریخ اسلام. بعد از چند سال فلاکت که در هنگام شروع کارتان، اوضاع دنیا و مافیها چپ بود. و به محض اینکه کارتان تمام می شود همه چیز زورباز است! کارتان تمام بشود و قرار باشد ببینید این کار بالاخره چه می شود. همه به شما نظر می دهند. از شاه فیه گرفته تا دست چنم

آسیاب دشمن

دلسان می خواهد دربارهٔ ضرورت ساخت فیلمهایی دربارهٔ تاریخ اسلام بنویسم، اما می ترسم از این نوشته ما خیلی از سازندگان این سریالها استفاده کنند و در



حقیقت آب به آسیاب آقای میرباقری و علادالدین رحیمی و سیما فیلم و ... بریزم. می خواهم دربارهٔ موضوع سریال امام علی (ع) صحبت کنم ولی می ترسم یک چیزهایی از دهان تان برود و آب به آسیاب وهابیت و حکومت هند و پاکستان ...

کلاب، قالی، انار

دربارهٔ سریال به رنگ صدف چرا نمی نویسید و اقیامت را به آن صورتی که نیستند، پهنویریم؟ آیا این به آن دلیل نیست که ما مشکل داریم؟ مگر نه اینکه وظیفه تلویزیون و ... ما تغییر دادن اقیامت می خواهد!

مجموعه نمایشی و طنز-انگیز بهار ویژه برنامه دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی است که از شبکه دو سیما پخش خواهد شد. این برنامه شامل بخشهای مختلف نمایشی، طنز، سرود و

نقاهان بهار در شبکه دو

مجموعه نمایشی و طنز-انگیز بهار ویژه برنامه دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی است که از شبکه دو سیما پخش خواهد شد. این برنامه شامل بخشهای مختلف نمایشی، طنز، سرود و

توری حلقه دهم

یادداشتی به بهانه سریال دزدان مادیونیزیک

در همان سالهای اولیه پیدایش سینما در آمریکا فیلمهایی ساخته می شد که به راجح می شد گفت فیلمهایی غیراخلاقی یا ضد اخلاقی اند. وقتی این فیلمها به نمایش درآمدند گروههایی در آمریکا پیدا شدند که به ساختن این فیلمها اعتراض جدی کردند و حتی تهنیدهای جدی انجام دادند. اما تهیه کنندگان که زیاد از تهنیدهای جدی خوششان نمی آمد این تهنیدها را جدی نگرفتند و چون دندانهای نصیحت گران اخلاقگرا را شمرده بودند - به این علت که آنهاهایی که زیاد نصیحت می کنند در اکثر و این راه، راهی شد که از آن پس اکثر سازندگان فیلمهای سفارشی به کار بردند. نه حلقه اول را برای نمایشگران ساختند و حلقه دوم را برای : به ت دنگان ا ا لاق گرا -

شرکت ساختمانی کیسون



پل افسریه تهران

ویژگی های شرکت کیسون عبارتاند از:

- سازماندهی علمی امروزین، مدیریت، تخصص و بهره گیری بیشتر از نیروی کار در راستای گسترش امکان ساخت هر چه بیشتر.
- توجه ویژه و کنترل دائمی کیفیت کار در دست اجرا؛ تا با صرف کمترین هزینه، طولانی ترین عمر مفید و زیباترین ظاهر ممکن به پروژه داده شود.
- اتمام پروژهها در کوتاهترین زمان، که بازدهی و برگردان سرمایه را تسریع و عمر نیروی کار را مفیدتر می کند.
- کوشیده ایم کارگاههای ما مدرسه ای باشد برای متخصصین جوانی که مشتاق ناآموزی و خدمت هستند.
- احترام و ارج نهادن به کار خوب.



شرکت ساختمانی کیسون

در کشور عزیز ما تحولی شگرف جریان دارد: گسستن بندهای وابستگی مطلق به درآمد خام و روی آوردن به نیروی لایزال کار، این سرمایه عظیم ملی، و کوشش در جهت گسترش و تحکیم زیربنای اقتصاد. ما در کیسون، می کوشیم به نوبه خود سهم کوچکی از این وظیفه را بر دوش بگیریم. و خدای را سپاس می گویم که در این راه سرشکسته نبوده ایم. سازماندهی واحد ساخت به دو بخش پروژهها (با استقلال نسبی) و واحدهای پشتیبانی مرکزی امکان اعمال مدیریت مناسب و انجام پروژههای متعدد را در زمان کوتاه و با کیفیت مطلوب فراهم می سازد.



شبکه آبیاری و زهکشی حمیدیه اهواز

ویژگی های شرکت کیسون عبارتاند از:

- سازماندهی علمی امروزین، مدیریت، تخصص و بهره گیری بیشتر از نیروی کار در راستای گسترش امکان ساخت هر چه بیشتر.
- توجه ویژه و کنترل دائمی کیفیت کار در دست اجرا؛ تا با صرف کمترین هزینه، طولانی ترین عمر مفید و زیباترین ظاهر ممکن به پروژه داده شود.
- اتمام پروژهها در کوتاهترین زمان، که بازدهی و برگردان سرمایه را تسریع و عمر نیروی کار را مفیدتر می کند.
- کوشیده ایم کارگاههای ما مدرسه ای باشد برای متخصصین جوانی که مشتاق ناآموزی و خدمت هستند.
- احترام و ارج نهادن به کار خوب.



کارخانه ذوب آلومینیوم المهدی بندرعباس